



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



اعرف الحق تعرف امله

۲۱

سلسله پژوهش های اعتقادی

اهل بیت (ع) در نهج البلاغه

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۷	..... سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت (ع) در نهج البلاغه المجلد ۲۱
۷	..... مشخصات کتاب
۷	..... سرآغاز ... ص: ۹
۸	..... اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه ... ص: ۱۵
۸	..... پیش گفتار ... ص: ۱۵
۹	..... بخش یکم آفرینش اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۱۹
۹	..... عدم سنجش کسی از امت با مرتبه و مقام اهل بیت ... ص: ۱۹
۱۰	..... آفرینش نوری اهل بیت ... ص: ۲۱
۱۱	..... یگانگی تبار ... ص: ۲۳
۱۲	..... بهترین خاندان و برترین قبیله ... ص: ۲۵
۱۲	..... پاره‌ای از وجود شریف ... ص: ۲۶
۱۳	..... بخش دوم اخلاق و خوی‌های پسندیده اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۳۱
۱۳	..... پرورش یافتگان نبوت ... ص: ۳۱
۱۴	..... فرشته اعظم ... ص: ۳۲
۱۴	..... خلوت در حراء ... ص: ۳۳
۱۵	..... برتری دیگر ... ص: ۳۴
۱۵	..... پیشوایان بعد از پیامبر ... ص: ۳۵
۱۶	..... جایگاه راز پیامبر خدا و گنجینه علوم ... ص: ۳۸
۱۷	..... دانش اهل بیت علیهم السلام و کتاب‌های آسمانی ... ص: ۴۱
۱۹	..... اهل بیت علیهم السلام و زنده کنندگان دانش ... ص: ۴۴
۲۰	..... اصل و ریشه پیامبری ... ص: ۴۶
۲۱	..... اهل بیت علیهم السلام و حقایق قرآن و سنت ... ص: ۴۹

- ۲۳ ..... اهل بیت علیهم السلام و علم به غیب ... ص: ۵۳
- ۲۴ ..... اهل بیت علیهم السلام و درهای دانش ... ص: ۵۵
- ۲۵ ..... بخش سوم کمالات و فضایل اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۶۱
- ۲۵ ..... اهل بیت علیهم السلام ساخته خداوندگار و مردم ساخته آنان ... ص: ۶۱
- ۲۷ ..... اهل بیت علیهم السلام و مقام عصمت ... ص: ۶۸
- ۲۹ ..... پایه‌های دین و هدایت‌گران مردمان ... ص: ۷۲
- ۳۱ ..... جایگاه و مقام اهل بیت ... ص: ۷۵
- ۳۱ ..... همانند منزلت قرآن ... ص: ۷۵
- ۳۲ ..... نکاتی مهم ... ص: ۷۷
- ۳۳ ..... ستارگان هدایت ... ص: ۸۰
- ۳۴ ..... اهل بیت علیهم السلام و اقامه لوازم امامت و مهتری ... ص: ۸۲
- ۳۵ ..... اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حریم دین الاهی ... ص: ۸۵
- ۳۷ ..... اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گران‌بها ... ص: ۸۸
- ۳۸ ..... اهل بیت علیهم السلام و پرچم‌های برافراشته حق ... ص: ۹۱
- ۳۹ ..... اهل بیت علیهم السلام و حق سروری و مهتری ... ص: ۹۴
- ۴۰ ..... اهل بیت علیهم السلام و شایستگان سروری و امامت ... ص: ۹۶
- ۴۱ ..... خطبه شفشقیه ... ص: ۹۷
- ۴۳ ..... مرگ با شناخت آنان شهادت است ... ص: ۱۰۲
- ۴۵ ..... کتابنامه ... ص: ۱۰۷
- ۴۷ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت (ع) در نهج البلاغه المجلد ۲۱

## مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -  
 عنوان قرارداد: اهل البیت علیهم السلام فی نهج البلاغه. فارسی.  
 نهج البلاغه. فارسی - عربی. برگزیده  
 عنوان و نام پدیدآور: اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه / علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز تحقیقات اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۲۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Ali Hosayni Milani. Household (A.S.) in Nahjal - balagheh.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۷] - ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خاندان نبوت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق.. نهج البلاغه -- خاندان نبوت

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق.. نهج البلاغه -- برگزیده

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹ /خ ۱۶ح ۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۵۲۴۷

## سرآغاز ... ص: ۹

... آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نباید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، با توطئه‌هایی از پیش مهینا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلّی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پر فروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۱

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۵

## اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه ... ص: ۱۵

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

## پیش گفتار ... ص: ۱۵

کتابی که فراروی شماست به مناسبت هزاره سید رضی رحمه الله نوشته شده، این کتاب پژوهشی گذرا در نهج البلاغه برای شناخت «اهل بیت و خاندان پیامبر علیهم السلام» است؛ آن گونه که سرسلسله اهل بیت بعد از رسول الله، امیر مؤمنان علی علیه السلام آنان را معرفی و وصف کرده است.

نهج البلاغه شریف رضی رحمه الله و هر چه در آن آمده است، در واقع گزینشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و سخنان دُررَبار آن



بزرگوار است که در بردارنده آموزه‌ها، اندیشه‌ها، و نظریه‌های آن حضرت در امور گوناگون است.

تردید در انتساب کتاب نهج البلاغه به شریف رضی رحمه الله، یا در

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۶

انتساب این سخنان بلند مرتبه به حضرت علی علیه السلام، مانند تردید در وجود خود امام و شریف رضی خواهد بود.

بر ما لازم است تا برای شناخت جایگاه و منزلت والای «اهل بیت» علیهم السلام به نهج البلاغه مراجعه نماییم؛ زیرا امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سرور اهل بیت و داناترین مردم نسبت به مقامات و حالات آنان بوده؛ ضمن این که کلام او درباره اشخاص عین حقیقت و مطابق واقع است.

نام و یاد اهل بیت علیهم السلام به انگیزه‌های گوناگونی در موارد فراوانی از نهج البلاغه آمده است. حضرت علی علیه السلام در بیشتر موارد به شیوه‌های گوناگون بر برتری همه جانبه «اهل البیت» نزد خدای بزرگ به گواهی آیات قرآن مجید و احادیث قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و نیز به این که خدا آن‌ها را به جهت هدایت و رهبری امت نصب نموده، اشاره می‌فرماید. هنگامی که به آن ویژگی‌ها و معانی آن‌ها دقت کنیم و به دلیل‌های آن‌ها از قرآن کریم و روایات مراجعه نماییم، درمی‌یابیم که افرادی که مسلمانان بر عدم عصمت آن‌ها اجماع دارند، تحت عنوان «آل النبی» و «اهل بیت» یا «عترت پیامبر» داخل نمی‌توانند باشند.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۹

### بخش یکم آفرینش اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۱۹

#### عدم سنجش کسی از امت با مرتبه و مقام اهل بیت ... ص: ۱۹

علیهم السلام

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید:

لا یقاس بآل محمّد من هذه الأُمَّة أحد ولا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه أبدأ؛ «۱»

هیچ کس با مرتبه و مقام خاندان پیامبر از امت اسلامی سنجیده نمی‌شود و هیچ‌گاه کسانی که خود مشمول نعمت‌های اهل بیت هستند، با خود آنان برابر نمی‌شوند.

این عبارت شامل گفتاری همه جانبه است و آن چه می‌فرماید: «و هیچ کس از این امت با خاندان محمد سنجش نمی‌شود»؛ یعنی: در تمام رتبه‌ها و داشته‌ها؛

منظور از «از این امت»؛ یعنی: و از دیگر امت‌ها نیز کسی با شما

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۰

سنجش نمی‌شود؛ و این به دلیل اولویت امت اسلامی بر دیگر امت‌هاست؛ زیرا قرآن، امت اسلامی را از تمام امت‌ها برتر می‌داند، آن جا که می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»؛ «۱»

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید.

و منظور از «أحداً»: هر کس که باشد.

معنای «و برابری نمی‌کند با آن‌ها»: ... گرچه در ظاهر برتری داده شد، ولی به صورت قطعی برتری داده نخواهد شد.

«کسانی که مشمول نعمت‌های آن بزرگواران شده‌اند»، نعمت در این گفتار، شامل همه نعمت‌هاست.

«هرگز» نفی و انکار همیشگی است، یا این که هر نعمتی که بوده و خواهد بود تا همیشه زمان از اهل بیت علیهم السلام جاری خواهد بود.

این معنای بسیار دقیق و ظریف است که در ادامه برخی از موارد آن را توضیح خواهیم داد. «۲» امیر مؤمنان علی علیه السلام با این گفتار باب برتری‌جویی بین پیامبران بزرگ الهی و هم‌چنین فرشتگان بلند مرتبه خداوند را با

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۱۰

(۲). ر. ک: ص ۶۱ از همین کتاب

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۱

اهل بیت علیهم السلام به طور کامل می‌بندد تا چه رسد به سنجش آنان با اصحاب رسول و فرستاده پروردگار جهانیان.

یکی از پژوهش‌گران سنی، نیکو و داد‌گرانه سخن گفته، آن‌جا که گوید:

هر کس یکی از اصحاب پیامبر را بر دیگر اصحاب برتری دهد، منظور او به یقین برتری دادن بر علی نیست؛ زیرا علی از اهل بیت پیامبر است.

پس برترین آفریدگان بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاندان او هستند، و این، همان واقعیت و حقیقت است؛ زیرا آنان مانند پیامبر بر تمامی پیامبران الهی برتری جستند و آنان مهتر آفریدگان در آفرینش، اخلاق و کمالات هستند.

چرا در آفرینش برترند؟ زیرا با پیامبر از یک نور و از یک ریشه و درخت آفریده شدند؛ همان گونه که از روایت‌های فراوان مورد اتفاق همگان برمی‌آید:

### آفرینش نوری اهل بیت ... ص: ۲۱

احمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از زهری از خالد بن معدان از زاذان این گونه روایت می‌کند که سلمان گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۲

كنت أنا وعلی بن ابی طالب نوراً بین یدی اللّٰه تعالی قبل أن یخلق آدم بأربعه آلاف عام، فلما خلق آدم قسم ذلك النور جزءین؛ جزء أنا وجزء علی؛ «۱»

من و علی بن ابی‌طالب چهار هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در پیشگاه خداوند بودیم، پس هنگامی که آدم آفریده شد، آن نور را دو بخش کرد: بخشی من شدم و بخشی دیگر علی.

روایت دیگری را در این زمینه گنجی از خطیب بغدادی و ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خلق الله قضيماً من نور قبل أن یخلق الدنيا بأربعین ألف عام، فجعله أمام العرش، حتی کان أوّل مبعثی، فشق منه نصفاً فخلق منه نبیکم، والنصف الآخر علی بن ابی طالب؛ «۲»

خداوند چهل هزار سال پیش از آفرینش دنیا شاخه‌ای از نور آفرید و آن را پیشاپیش عرش خود قرار داد تا این که ابتدای مبعث من

شد.

پس نیمی از آن را جدا نمود و پیامبر شما را از آن آفرید و از نیمه دیگر نیز علی را.

(۱). تذکره خواص الامه: ۴۶، الرياض النضرة: ۲/ ۲۱۷

(۲). کفایه الطالب: ۳۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۳

حاکم نیشابوری حدیث دیگری را از جابر بن عبدالله روایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام می فرمود:

یا علی! الناس من شجر شتی وأنا وأنت من شجره واحده؛

ای علی! تمامی مردم از ریشه‌ها و اصل‌های گوناگون هستند؛ ولی من و تو از یک ریشه و درخت هستیم.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این آیه را خواندند:

«وَجَنَاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَعَیْرٌ صِنَوَانٌ یُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ»؛ «۱»

و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از ریشه‌های گوناگون که با یک آب سیراب می‌شوند.

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می‌گوید:

این حدیث از نظر سند کاملاً درست است. «۲»

### یگانگی تبار ... ص: ۲۳

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان علی علیه السلام از یک ریشه و تبارند.

(۱). سوره رعد: آیه ۴

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۲۴۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۴

در این باره گنجی حدیثی را از طبرانی و ابن عساکر حدیثی را از ابوامامه باهلی نقل می‌کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فِرْعَهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا؛ فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغَصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا، وَمَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى، وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرُوءَةِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ لَمْ يَدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ؛

خداوند تمام پیامبران را از ریشه‌ها و درختان گوناگونی آفرید و من و علی را از یک درخت. پس من ریشه آن درخت هستم، علی شاخه آن، فاطمه بارورساز آن، حسن و حسین میوه آن درخت هستند.

پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن درآویزد، رستگار شود و هر کس از آن منحرف گردد، به هلاکت می‌رسد و اگر بنده‌ای هزار سال بین صفا و مروه خداوند را پرستش نماید و هزار سال دیگر نیز همین گونه باشد؛ ولی دوستی ما را درک ننماید، خداوند او را با رو در آتش اندازد.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این آیه را قرائت فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۵

«قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «۱»

[به مسلمانان] بگو: از شما هیچ اجر و پاداشی نمی‌خواهم مگر مهرورزی به خاندانم. «۲»

### بهترین خاندان و برترین قبیله ... ص: ۲۵

خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بهترین خاندان و تیره و قبیله آن حضرت، برترین قبیله و تیره‌هاست. حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام به این مورد اشاره کردند و فرمودند:

عترته خیر العتر، واسرته خیر الاسر، وشجرته خیر الشجر، نبتت فی حرم، وبسقت فی کرم، لها فروع طوال، وثمر لا ینال؛ «۳»  
خاندان نزدیک او بهترین خاندان‌ها و قبیله او بهترین قبیله‌ها، درخت وجود و ریشه‌های هستی‌اش بهترین درخت‌هاست که در حرم [کبریا و عظمت] روئیده است و در بستان بزرگی و مهتری بالیده است، شاخه‌های بسیار بلند دارد و میوه‌هایی که دست [فرومایگان] به آن نمی‌رسد.

(۱). سوره شوری: آیه ۲۳

(۲). کفایه الطالب: ۲۲۰

(۳). نهج البلاغه: ۱۳۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۶

آن حضرت در جای دیگری فرموده است:

اسرته خیر اسرء، وشجرته خیر شجرة، أغصانها معتدلة، وثمارها متهدلة؛ «۱»

قبیله و تبارش بهترین قبیله و درختش بهترین درخت است، شاخه‌های این درخت موزون و میوه‌هایش در دسترس [شایستگان] است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی دیگر فرموده است:

نحن شجرة النبوة؛ «۲»

ما درخت پیامبری هستیم.

### پاره‌ای از وجود شریف ... ص: ۲۶

خاندان پیامبر جزئی از وجود پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هستند؛ در روایتی که مورد قبول همگان است، آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی منی وأنا منه؛ «۳»

علی از من است و من از علی.

(۱). نهج البلاغه: ۲۲۹

(۲). همان: ۱۶۲

(۳). این حدیث ارزشمند را تمام صحیح نگاران و مسند نویسان اهل سنت و بزرگان دیگر مانند: احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه، نسائی، طبرانی، بغوی و دیگران نقل کرده‌اند

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۷

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمودند:

فاطمه بضعة منی، فمن أغضبها أغضبني؛ «۱»

فاطمه پاره‌ای از تن من است، پس هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین کرده است.

آری، حافظ سهیلی «۲» با استناد و پشتوانه این حدیث گفته است که فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر برتر است؛ «۳» زیرا که او جزئی از پیامبر است.

حافظ بیهقی «۴» نیز این گونه گفته است:

تردید نیست که دو فرزندشان و امامان از فرزندان امام حسین علیهم السلام جزء و پاره‌ای از آن دو هستند. پس آنان پاره‌ای از تن پیامبر گرامی هستند. «۵»

(۱). این حدیث را تمامی صحیح نویسان و مسند نویسان و در رأس آنها بخاری نگارنده صحیح معروف، آورده‌اند

(۲). سهیلی شرح دهنده سیره و تاریخ پیامبر از بزرگان و پژوهش گران مهم اهل سنت است که در سال ۵۸۱ هجری در گذشته است

(۳). این سخن سهیلی را علامه مناوی در فیض القدير: ج ۴، ص ۴۲۱ آورده است

(۴). بیهقی از بزرگان فقه و روایت اهل سنت است که در سال ۴۵۸ هجری در گذشته است

(۵). این سخن را علامه عجیلی در ذخیره المآل - که تصویری از نسخه آن در اختیار ماست - آورده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۲۸

فرا تر این که «خاندان محمد» خود پیامبر هستند؛ زیرا که حضرت علی علیه السلام به دلیل آیه مباهله «۱» خود اوست. از طرفی پیامبر فرزندش حسن علیه السلام را این گونه مورد سخن قرار می‌داد:

وجدتک بعضی بل وجدتک کلی؛ «۲»

تو را جزئی از خود یافتم؛ بلکه تو را تمام خود می‌بینم.

البته امام حسین و امامان از فرزندانش علیهم السلام نیز این گونه هستند.

(۱). ر. ک: کتاب آیه مباهله از همین نگارنده

(۲). نهج البلاغه: ۳۹۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۱

## بخش دوم اخلاق و خوی‌های پسندیده اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۳۱

### پرورش یافتگان نبوت ... ص: ۳۱

اهل بیت علیهم السلام در اخلاق و خوی‌های پسندیده به سان پیامبر هستند. پس تمامی خوی‌های پسندیده پیامبر و برتری‌های اخلاقی آن حضرت، در آل محمد علیهم السلام است؛ زیرا آنان همان گونه که گذشت، از یک ریشه هستند و علاوه بر این، آنان در دامان پرمهر او پرورش یافتند و از پیشگاه او علم و معرفت آموختند.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أنا وضعت في الصغر بكلاكل العرب، وكسرت نواجم قرون ربيعه ومضر، وقد علمتم موضعي من رسول الله صلى الله عليه وآله بالقرابة القريبة والمنزلة الخصيصة، وضعتني في حجره وأنا ولد، يضمنني إلى صدره ويكنفني في فراشه، ويمسني جسده، ويشمني عرفه، وكان يمصغ الشيء ثم يلقمنيه، وما وجد لي كذبة في قول، ولا خطلة في فعل؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۲

من در نوجوانی و خردی بزرگان عرب را پست کرده و به خاک در انداختم و شاخ‌های برون آمده و سرکردگان مخالف و شورشی دو قبیله ربیعه و مضر را شکستم و شما جایگاه نزدیک و رتبه و مقام بلند مرا، نزد پیامبر می‌دانید، آن گاه که کودک بودم مرا در دامان خود می‌نهاد، مرا در آغوش می‌کشید و به سینه می‌چسباند و با احترام در بستر خود می‌خوابانید، تن خویش را به بدن من، می‌سود و بوی عطر دلاویز خود را به من می‌بویاند. غذا را ابتدا می‌جوید و آن را به من می‌خورانید و هیچ گاه دروغی در گفتارم و اشتباهی در کردار و منش من نیافت.

### فرشته اعظم ... ص: ۳۲

آن گاه حضرتش می‌فرماید:

ولقد قرن الله به صلى الله عليه وآله من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته، يسلك به طريق المكارم ومحاسن أخلاق العالم، ليله ونهاره.

ولقد كنت أتبعه أتباع الفصيل أثر أمه، يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً ويأمرني بالإقتداء به؛

خداوند از هنگامی که پیامبر از شیر گرفته شد، بزرگ‌ترین فرشته

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۳

خود را شب و روز هم‌نشین او فرمود تا راه‌های بزرگواری را بیاماید و تمامی خوی‌های پسندیده و نیکوی جهان را فراهم نماید و من همواره پیرو او بودم؛ آن گونه که بچه شتر شیرخوار از مادرش پیروی می‌نماید، هر روز برای من از بهترین خوی‌ها پرچی برمی‌افراشت و مرا به پیروی از آن، امر می‌فرمود.

### خلوت در حراء ... ص: ۳۳

آن گاه به فضیلت دیگری از خود اشاره می‌کند و می‌فرماید:

ولقد كان يجاور في كل سنة بحراء، فأراه ولا يراه غيري، ولم يجمع بيت واحد يومئذ في الإسلام غير رسول الله صلى الله عليه وآله وخديجه وأنا ثالثهما، أرى نور الوحي والرسالة وأشتم ريح النبوة.

ولقد سمعت رنة الشيطان حين نزل الوحي عليه صلى الله عليه وآله، فقلت: يا رسول الله ما هذه الرنة؟

فقال: هذا الشيطان قد أيس من عبادته، إنك تسمع ما أسمع وترى ما أرى، إلا أنك لست بنبي، ولكنك لوزير، وإنك لعلی خير؛

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هر سال در حراء خلوت می‌گزید و تنها

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۴

من او را می‌دیدم، نه دیگری. در آن روزگار، اسلام در هیچ خانه‌ای برقرار نگشته بود مگر خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله و خدیجه علیها السلام و من که سومین نفر آنان بودم، نور و روشنایی وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را حس می‌کردم.

به راستی من صدای وحشت‌زده شیطان را در زمان فرود آمدن وحی بر پیامبر صلی الله علیه وآله می‌شنیدم. پرسیدم: ای پیامبر خدا!

این صدای وحشت‌زده چیست؟

فرمود: این شیطان است، از این که او را نپرستند نومید و نگران است.

همانا تو می شنوی، آن چه را من می شنوم و می بینی و درک می کنی آن چه را من می بینم و می یابم؛ فقط تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر و جایگزین من هستی و همواره بر مسیر درست و عافیت پیش می روی...

### برتری دیگر ... ص: ۳۴

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به برتری دیگری از خود اشاره می کند و می فرماید:

...وإني لمن قوم لا تأخذهم في الله لومة لائم، سيماهم سيما الصديقين، وكلامهم كلام الأبرار، عمارة الليل ومنار النهار، مستمسكون بحبل الله، يحيون سنن الله وسنن رسوله،

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۵

لا يستكبرون ولا يعلون، ولا يغلون ولا يفسدون، قلوبهم في الجنان وأجسادهم في العمل؛ «۱»

و من از مردمانی هستم که در راه خدا سرزنش سرزنش گران و نکوهندگان آنها را در بر نمی گیرد؛ همان هایی که چهره هایشان چهره های راستگویان راست کردار است و گفتارشان گفتار نیکوکاران. آنان آبادگران و زنده داران شب و نشانه ها و راهنمایان روز و چنگ زندگان در ریسمان خدا هستند. آنان همواره سنت ها و روش های خداوند و پیامبرش را زنده نگه می دارند و هیچ گاه گردن کشی و گناه نمی نمایند و برتری جویی ندارند؛ نه خیانت کارند و نه تباه کار و نه فسادکار. دل هایشان در بهشت های برین و بدن هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

### پیشوایان بعد از پیامبر ... ص: ۳۵

در این گفتار امیر مؤمنان علی علیه السلام بر نکته بسیار مهمی تأکید می نماید و می فرماید:

کسی که در تمامی کارها و مقام های پیامبری جایگزین و جانشین مرتبه پیامبر صلی الله علیه وآله است باید والاترین کسانی باشد که به وسیله

(۱). نهج البلاغه: ۳۰۰ و ۳۰۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۶

او به علم و آگاهی و ادب و تربیت الاهی رسیده اند.

آن گاه حضرتش تأکید می کند که تنها دارنده این خصوصیات و ویژگی ها خود اوست و هر علم و دانشی را که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آموزش می داد و اجازه آموختن آن را می داد و هر خوی و خصلت نیکویی که آن حضرت بر آن رفتار می نمود، به تمامی دریافت نموده و آموخته است؛ تا آن جا که شایستگی یافته تا آن چه را او می شنود، بشنود و آن چه را او می بیند و دریافت می دارد، او نیز دریافت بدارد و ببیند و اگر پایان یافتن پیامبری به حضرت محمد صلی الله علیه وآله نبود، همو پیامبر بعد از ایشان بود. از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مقام پیامبری را جدا نموده و می فرماید:

إلَّا أَنْكَ لَسْتُ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ؛

مگر این که تو پیامبر نیستی و وزیر و جایگزین من هستی.

این سخن والا رمز و اشاره ای به گفتار موسی علیه السلام است که خداوند سخن او را حکایت می کند که به خدا عرضه داشت:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي \* هَارُونَ أَخِي»؛ «۱»

و برای من در خاندانم وزیر و دستیاری قرار بده، همان هارون برادرم را.

(۱). سوره طه: آیه ۲۹

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۷

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنی به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

اما ترضی أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي؛ «۱»

آیا نمی‌خواهی که جایگاه تو از من، به مانند جایگاه هارون از موسی باشد مگر این که پیامبری بعد از من نیست؟

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به قسمتی از ویژگی‌ها و امتیازات معنوی خاندان پیامبر که خداوند به آن‌ها اختصاص داده

است، اشاره نموده و می‌فرماید:

وإني لمن قوم لا تأخذهم... و همانا من از گروهی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنش‌گری نمی‌ترسند.

و همانا من از گروهی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنش‌گری نمی‌ترسند.

آن حضرت در این گفتار مقام و مرتبه‌ای را بر آنان بیان می‌دارد که

(۱). این همان حدیث «منزلت» است که همگان با تواتر آن را روایت نموده‌اند و بر صحت آن اتفاق نظر دارند و تمامی صحیح

نگاران، مسند نویسان و صاحبان سنن و معجم و دیگر محدثان در تمامی سده‌های گذشته آن را با سند کامل آورده‌اند و از

قوی‌ترین و استوارترین حجّت‌ها بر امامت بلافاصله امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

گفتنی است که پژوهشی جداگانه در این باره با عنوان نگاهی به حدیث منزلت در ضمن سلسله پژوهش‌های اعتقادی چاپ شده

است

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۸

عقل بشر معمولی آن را در نمی‌یابد؛ آن جا که می‌فرماید:

قلوبهم فی الجنان وأجسادهم فی العمل؛

دل‌هایشان در بهشت‌های برین و بدن‌هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

### جایگاه راز پیامبر خدا و گنجینه علوم ... ص: ۳۸

به راستی والاترین و برترین مطالبی که اهل بیت علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرفته‌اند، همان دانش‌ها، آموزه‌های

بلند الاهی، شناخت‌ها و رازهای الاهی است که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام آن‌ها را تکرار و بازگو می‌نماید و افتخار و

سربلندی خود را به آن‌ها آشکارا سر می‌دهد. و آشکارا به آن می‌نازد و می‌فرماید:

هم موضع سزه، ولجاً أمره، وعبیه علمه، وموئل حکمه، وکھوف کتبه، و جبال دینه. بهم أقام انحناء ظهره، وأذهب ارتعاد فرائضه؛ «۱»

آنان جایگاه راز و علوم ناگفتنی و نهانی پیامبر، پشتیبان و نگهبان دستورات پیامبر، گنجینه تمامی دانش‌های او، سرچشمه سخنان

استوار و حکمت (و احکام شرعی و نظر صواب) او و امان و نگهدارنده کتاب‌ها و بیانات او و کوه‌های برافراشته دین برحق او

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۳۹



هستند. به وسیله آنان پشت خمیده اسلام استوار و ثابت و پابرجا گردید و لرزش ارکان در خطر افتاده آن از میان رفت. در این عبارت تمامی ضمیرها به خداوند، یا به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بازگشت می‌نماید، مگر ضمیر واژگان «ظهره: پشت او» و «فرائصه:

ارکان او» که به دین اسلام برگشت می‌نمایند.

منظور از «سرّ و راز» در این گفتار، دانش‌هایی است که هیچ کس جز آنان نمی‌تواند آن‌ها را فرا گیرد و کلمه «امر» بدین معناست که هر آن چه مردم برای دین و دنیای خود بدان نیازمندند، پس امامان، همان پشتیبان و پناه در آن دین هستند، خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و اطاعت کنید پیامبر و اولی الامر خود را.

امیر مؤمنان علی علیه السلام خود با استدلال به این آیه کریمه در گفتاری که خواهد آمد به این معنا اشاره فرموده‌اند.

سخن دیگر درباره «عیبه امره» است که منظور از آن این است که امامان، مخزن و ظرف‌های دانش الهی هستند که خداوند به پیامبر سپرد.

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۰

حضرت علی علیه السلام در این گفتار به همان معنا اشاره کردند و فرمودند:

...علم الغیب الذی لا یعلمه أحد إلا الله، وما سوی ذلک فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه، ودعالی بأن یعیه صدری وتضطّم علیّه جوانحی؛  
...دانش نهانی و غیبی را که فقط خداوند می‌داند و به غیر از آن، تمام دانش‌هایی که خداوند به پیامبر آموخت، به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من، آن را تحمّل نماید و دلم آن را در برگیرد و به خود بپذیرد.

البته در این زمینه روایات دیگری نیز آمده است که کلینی رحمه الله برخی از آن‌ها را نقل کرده است. «۱» واژه دیگری که در این فراز به توضیح نیاز دارد، واژه «حکم» است. منظور از آن، یا تمامی احکام شرعی یا قضاوت و داوری است. از تمامی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت متواتر و بسیار زیاد روایت شده که گفته‌اند:

أقضانا علی؛ «۲»

علی از همه ما در قضاوت و داوری بالاتر است.

(۱). الکافی: ۱/ ۲۵۶

(۲). الرياض النضرة: ۲/ ۱۹۸، فتح الباری: ۸/ ۱۳۶، تاریخ الخلفاء: ۱۱۵، الاستیعاب: ۳/ ۴۰، حلیه الاولیاء: ۱/ ۶۵ و منابع دیگر

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۱

البته روایت‌های بسیاری از اهل بیت علیهم السلام رسیده که از بردن داوری به نزد غیر او باز داشته‌اند که برخی از این روایات را شیخ حرّ عاملی رحمه الله در کتاب وسائل الشیعه آورده است. «۱»

**دانش اهل بیت علیهم السلام و کتاب‌های آسمانی ... ص: ۴۱**

کلمه مورد توجه دیگر در این فراز «کتبه؛ کتاب‌هایش» است. در صورتی که ضمیر این واژه به خداوند بازگشت نماید، منظور

تمامی کتاب‌های آسمانی خواهد بود و اگر بازگشت ضمیر آن، به پیامبر باشد، منظور از آن، قرآن، سنت و دیگر نهاده‌های پیامبر خواهد بود.

روشن است که اهل بیت علیهم السلام اهل و صاحبان دانش قرآن و مرجع تمامی دانش‌های قرآنی هستند و این علوم از آنان آموخته شده و سرچشمه گرفته است و از آنان در تمامی جهان اسلام گسترش پیدا کرده است. برای نمونه عبدالله بن عباس و نظایر او که دانش‌های گوناگون قرآن در آنان به انتها می‌رسد، و ظاهراً همگان از آنان فرا گرفته‌اند، همگی آنان شاگردان امیر مؤمنان علی علیه السلام هستند.

درباره دیگر کتاب‌های آسمانی نیز روایت‌های بسیاری داریم که دانش آن‌ها نزد اهل بیت علیهم السلام است که برخی از آن‌ها را شیخ

(۱). وسائل الشیعه: ۱۸/۲-۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۲

کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی آورده است. «۱» در روایت دیگری آمده که امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن سخنرانی فرمودند:

سلونی قبل أن تفقدونی، فأنا عبیه رسول الله، وأنا فقأت عین الفتنة بیاطنها وظاهرها، سلوا من عنده علم المنایا والبلايا والوصایا وفصل الخطاب، سلونی فأنا یعسوب المؤمنین حقاً، وما من فئه تهدي مائه أو تضل مائه إلا وقد أتیت بقائدها وسائقها. والذی نفسی بیده، لو طوی لی الوساده فأجلس علیها لقضیت بین أهل التوراه بتوراتهم، ولأهل الإنجیل بإنجیلهم، ولأهل الزبور بزبورهم، ولأهل الفرقان بفرقانهم؛

از من پرسید پیش از آن که مرا از دست دهید، پس من مخزن و گنجینه پیامبر خدا هستم و من آشکار و نهان چشم فتنه جنگ و اختلاف بین مسلمانان را بیرون آوردم و از جای کندم و تمام ریشه‌های آشکار و نهان فتنه را از بین بردم، از کسی که تمام دانش مرگ و میرها و تمام مصیبت‌ها و وقایع و وصیت‌ها و دانش قرآن و سخن راستین را می‌داند، پرسید.

(۱). الکافی: ۱/۲۲۳-۲۲۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۳

پرسید از من که من سِرور واقعی تمام مؤمنان (سردسته مؤمنان) هستم و هیچ گروهی (اشخاصی) نیستند که صد نفر را هدایت یا گمراه نمایند مگر این که با رئیس و راهنمایان محشور شوند.

سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست، اگر مسند و مقام داوری و قضاوت را برای من مهیا می‌نمودند و بر آن قرار می‌گرفتم؛ آن گاه بین یهودیان به توراتشان، بین مسیحیان به انجیلشان، بین زبوریان به زبورشان و بین مسلمانان به قرآن‌شان داوری می‌نمودم.

در این هنگام «ابن کوا» به پا خاست و به امیر مؤمنان علی علیه السلام رو کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! از خودت و مقام خود برای من بگو!

حضرت فرمودند:

ویلک! أتريد أن ازکی نفسی وقد نهی الله عن ذلك؟! مع أنني كنت إذا سألت رسول الله صَلَّى الله عليه وآله أعطاني، وإذا سكت ابتدأني، وبين الجوانح مئی علم جم، ونحن أهل البيت لا نقاس بأحد؛ «۱»

وای بر تو! آیا می‌خواهی خود را پاک و منزّه بشمارم در حالی که خداوند از چنین کاری بازداشته است؟ با این که هر گاه از پیامبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ سؤال می‌کردم، جواب می‌فرمودند

(۱). شرح نهج البلاغه خوئی: ۳۲۵ / ۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۴

و هر گاه سکوت اختیار می‌نمودم، ایشان شروع به سخن می‌نمودند.

در سینه من علم جمّ (فراوانی) وجود دارد و ما خاندان با هیچ کس سنجش نمی‌شویم.

عبارت دیگری که به بیان نیاز دارد، عبارت «جبال دینه؛ کوه‌های استوار دینش» است. منظور از این عبارت، ماندگاری، پایداری و پابندی دین به ماندگاری و پابندی اهل بیت علیهم السلام است که در این باره سخنی بیان خواهد شد.

### اهل بیت علیهم السلام و زنده کنندگان دانش ... ص: ۴۴

امیر مؤمنان علی علیه السلام در فراز دیگری به علوم سرشار اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

هم عیش العلم وموت الجهل، یخبرکم حلمهم عن علمهم، وظاهرهم عن باطنهم، وصمتهم عن حکم منطقتهم، لا یُخالفون الحقّ ولا یختلفون فیه، وهم دعائم الإسلام وولائج الإعتماد، بهم عاد الحقّ إلى نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته، عقلوا الدین عقل وعاية ورعایة، لا عقل سماع وروایة، فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ؛ «۱»

(۱). نهج البلاغه: ۳۵۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۵

آنان زنده کننده دانایی، نابودکننده جهل و نادانی هستند، بردباریشان از دانائیشان خبر می‌دهد و نمود و ظاهرشان از نهان و باطنشان، و خاموشی‌شان از راستی و درستی گفتارشان شما را آگاه می‌سازد.

هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده‌اند و در آن، ناسازگاری پیدا نمی‌نمایند. آنان ستون‌های اسلام و پناه‌گاه‌های محکم آن هستند. به واسطه آنان حق به اصل و ریشه واقعی خویش باز می‌گردد و باطل و ناراستی از جایگاهش دور و نابود می‌گردد و زبانش از ریشه کنده می‌شود.

آنان دین را شناختند؛ شناختی که از نهایت دانایی و رعایت و عمل نمودن است، نه فقط شناختی که از شنیدن و نقل کردن باشد؛ زیرا که راویان دانش بسیارند و مجریان و رعایت کنندگانش اندک.

در این عبارت می‌فرماید: «هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده و در آن ناسازگاری پیدا نمی‌نمایند»، که این سخن به حجت بودن گفتار یکی از معصومین علیهم السلام اشاره دارد؛ تا چه رسد به همگی آنان. در روایتی آمده که امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

نحن فی العلم والشجاعة سواء؛ «۱»

ما خاندان پیامبر همگی در دانش و شجاعت برابر هستیم.

(۱). الکافی: ۲۷۵ / ۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۶

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام درباره پیامبر، امیر مؤمنان و امامان از فرزندان ایشان می‌فرماید:

حجتهم واحدة وطاعتهم واحدة؛ «۱»

دلیلشان یکسان و برابر است و پیروی و فرمانبرداری آنان نیز یکسان و برابر است.

آن بزرگوار در روایت دیگری می‌فرماید:

نحن في الأمر والفهم والحلال والحرام نجري مجرى واحداً، فأما رسول الله صلى الله عليه وآله وعلى عليه السلام فلهما فضلها؛ ۲  
ما در خلافت و رهبری، درک و فهم و دانش شریعت به یک رویه هستیم، مگر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام که جایگاه بلندتر و والاتری از ما دارند.

### اصل و ریشه پیامبری ... ص: ۴۶

حضرت علی علیه السلام در سخن دیگری می‌فرماید:

نحن شجرة النبوة، ومحط الرسالة، ومختلف الملائكة، ومعادن العلم، وینایع الحكم؛ «۲»

(۱) و ۲. الکافی: ۱/ ۲۷۵

(۲). نهج البلاغه: ۱۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۷

ما از اصل و ریشه پیامبری، فرود آمدن نگاه رسالت، جایگاه آمد و شد فرشتگان رحمت و سرچشمه دانش و چشمه سارهای بینش هستیم.

در این باره شیخ کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی روایت‌های دیگری نیز از اهل بیت علیهم السلام آورده است.

آن گاه حضرتش می‌فرماید:

تالله، لقد علمت تبليغ الرسالات، وإتمام العادات، وتام الكلمات، وعندنا- أهل البيت- أبواب الحكم وضيء الأمر؛ «۱»

به خدا سوگند! من به روش پیام رسانی پیامبران بزرگ الهی و انجام تمامی وعده‌ها و همه کلمات پروردگار آموخته شدم و نزد ما خاندان پیامبر درهای حکمت و سخن استوار و نغز، و روشنی تمام کارها و حکومت دنیا و جهان آخرت است.

یعنی این که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تمام آن چه را می‌دانسته به علی علیه السلام آموزش داده است. پس ایشان پایه و رکن دین اسلام و جایگاه تمامی دانش‌های پیامبر بوده‌اند، پس ناگزیر چگونگی نگهبانی و رساندن دین و راه آموزش دانش آن را می‌دانسته است؛ چرا که برای زمان‌های گوناگون، ملت‌ها، افراد مختلف و مکان‌های متفاوت فرق دارد و هیچ کس نباید بر ایشان در انجام هر کاری، یا ترک کاری، یا گفتار

(۱). همان: ۱۷۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۸

و سکوتی ایراد بگیرد.

از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله حقیقت وعده‌هایی را که بین خداوند و پیامبران و فرستادگان بزرگوارش به بندگان بوده است؛ هم‌چنین چگونگی برآورده کردن و به پایان رساندن آن را به او آموزش داده است.

به سخن دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تمام وعده‌هایی را که به مردم داده بود و چگونگی برآوردن آن‌ها را بعد از او، به

علی علیه السلام یاد داد؛ زیرا او جانشین به حق و برآورنده وعده‌ها و قرارهای پیامبر بوده است، همان گونه که در روایت‌های شیعه و سنی آمده است.

از سوی دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کلمه‌هایی را که بین خداوند و پیامبرانش بوده و پایان یافتن آن‌ها را به حضرت علی علیه السلام آموزش داده است که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ»؛ (۱)

و کلام پروردگار تو - یعنی قرآن - به راستی و عدل و داد به حد کمال و تمام رسید؛ هیچ کس نمی‌تواند سخنان او را دگرگون سازد.

شاید منظور از کلمه‌ها، مطالبی غیر از کتاب‌های آسمانی و نوشته‌های الهی باشد.

(۱). سوره انعام: آیه ۱۱۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۴۹

اگر واژه «حکم» در عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام - با حاء مضموم و کاف ساکن باشد - به معنای قضاوت و داوری است. پس اهل بیت علیهم السلام در داوری‌هایشان، راهنمایی‌هایی از جانب خداوند به آنان می‌شود که برای غیر از ایشان هیچ گاه چنین نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»؛ (۱)

همانا این کتاب را به راستی و درستی سوی تو فرو فرستادیم تا میان مردم به آن چه خداوند تو را بنمود، حکم کنی. یا منظور از حکم، تمام دستورات الهی است.

و اگر واژه «حکم» - با حاء کسره دار و کاف مفتوح باشد - جمع حکمت - به معنای سخنان استوار و محکم خواهد بود. و کلمه «امر» به معنای سروری و جانشینی، یا تمامی دستورات، یا تمامی کارهاست. بنابراین اهل بیت علیهم السلام با اجازه خداوند به تمام کارها آگاهند.

### اهل بیت علیهم السلام و حقایق قرآن و سنت ... ص: ۴۹

امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگر تأکید می‌ورزند که حقایق قرآن و سنت پیامبر نزد اهل بیت علیهم السلام است و آن بزرگواران

(۱). سوره نساء: آیه ۱۰۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۰

به داشتن آن از دیگران شایسته‌ترند، آن جا که می‌فرماید:

«إِنَّا لَمْ نَحْكَمْ الرِّجَالَ وَإِنَّمَا حَكَّمْنَا الْقُرْآنَ، هَذَا الْقُرْآنَ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ، وَلَا بَدَّلَ لَهُ مِنْ تَرْجَمَانٍ، وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرِّجَالُ.»

وَلَمَّا دَعَا الْقَوْمَ إِلَى أَنْ نَحْكُمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمَتَوَلَّى عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»، (۱)

فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نَحْكُمَ بَكْتَابِهِ، وَرَدَّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ. فَإِذَا حَكَمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ، وَإِنْ حَكَمَ

بِسْمِ اللَّهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا...

فَأَيْنَ يُتَاهُ بِكُمْ؟! وَمَنْ أَيْنَ اتَيْتُمْ؟! «۲»

ما هیچ گاه مردان را داور قرار ندادیم؛ بلکه تنها قرآن را به داوری پذیرفتیم، این قرآن، فقط خطی است نوشته شده که در میان دو پوست جلد نگهداری می‌شود، زبان ندارد تا سخن بگوید و همواره به کسی نیازمند است که آن را به سخن درآورد که تنها مردان او را به سخن وامی‌دارند.

هنگامی که شامیان از ما خواستند قرآن را داور قرار دهیم، از آن

(۱). سوره نساء: آیه ۶۲

(۲). نهج البلاغه: ۱۸۲

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۱

گروه نبودیم که از قرآن روی گردان باشیم؛ چرا که خداوند سبحان فرموده است: «پس هر گاه در کاری ناسازگاری و اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبرش بازگردانید (و از آنان نظر نهایی را بخواهید)».

پس بازگردانیدن کارها به خداوند این است که به کتابش داوری و حکم نماییم و برگردانیدن کارها به پیامبر این است که سنت و آموزه‌های او را دریابیم و آن‌ها را به کار ببندیم.

پس اگر قرار باشد به کتاب خداوند به راستی و درستی داوری شود ما شایسته‌ترین مردم به آن هستیم و اگر قرار باشد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله داوری نماییم، پس شایسته‌ترین مردم و برترین آن‌ها ما هستیم...

پس اینک بنگرید از چه راه شما را گمراه می‌نمایند؟ و چگونه بر شما راه یافتند؟

در این باره روایت‌های بسیاری از خاندان پیامبر علیهم السلام آمده است. شیخ کلینی رحمه الله در قسمت‌های مختلفی از کتاب شریف کافی آن‌ها را آورده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام تصریح می‌کند که خاندان پیامبر - نه دیگران - همان «راسخان در علم» هستند و می‌فرماید:

أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنا كَذِبًا وَبَغْيًا عَلَيْنَا، أَنْ رَفَعْنَا اللَّهَ وَوَضَعَهُمْ، وَأَعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ، وَأَدْخَلْنَا وَأَخْرَجَهُمْ؛ «۱»

(۱). همان: ۲۰۱

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، اهل‌بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۲

کجايند آنانی که به دروغ و ستم بر ما می‌پندارند به جز ما راسخان در علم هستند از آن رو که خداوند ما را برتری داد و آنان را پست و خوار گردانید و به ما همه دانش‌ها را بخشید و آنان را بی‌بهره ساخت و ما را به حریم قربش پذیرفت و آنان را بیرون کرد.

شاید آن حضرت به این آیه اشاره می‌کند که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ «... ۱»

اوست آن خدایی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. برخی از آن آیه‌ها محکمت‌ها هستند (معنای روشن دارند) که آن‌ها رکن و پایه کتاب هستند و برخی دیگر متشابهات (چند پهلو و غیر روشن) هستند. پس کسانی که در دل‌های آنان کژی و گمراهی است، برای فتنه جویی و معنای نادرست و خراب کردن معنای آن، به آیه‌های غیر روشن و چند پهلو دست می‌اندازند (و در ظاهر از آن پیروی می‌نمایند) در حالی که معنای واقعی و حقیقی آن‌ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند...

(۱). سوره آل عمران: آیه ۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۳  
در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آن حضرت فرمود:  
نحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تأویله؛ «۱»  
ما راسخان در علم هستیم و ماییم که معنای حقیقی و واقعی آنها را می دانیم.  
روایت های دیگری نیز در این زمینه نقل شده است.

### اهل بیت علیهم السلام و علم به غیب ... ص: ۵۳

خاندان پیامبر علیهم السلام به آن چه بوده و هست آگاهند، مگر علمی که خداوند آن را به خود مخصوص نموده است که هیچ کس به غیر از او، از آن آگاهی ندارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:  
وما سوی ذلک فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه، ودعا لی بأن یعیه صدری وتضطم علیه جوانحی؛ «۲»  
دانش نهانی و غیب همان است که فقط خداوند آن را می داند و غیر آن تمام دانش هایی که خداوند به پیامبر آموخت و او نیز آنها را به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من آن را تحمّل نماید و دلم آن را در بر بگیرد و به خود بپذیرد.

(۱). الکافی: ۲۱۳/۱، الصافی فی تفسیر القرآن: ۸۴، چاپ قدیم

(۲). نهج البلاغه: ۱۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۴  
امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگری می فرمایند:

والله، لو شئت أن اخبر کلّ رجل منکم بمخرجه ومولجه وجميع شأنه لفعلت، ولكن أخاف أن تکفروا فیّ برسول الله صلّی الله علیه وآله.

ألا وإنّی مفضیه إلی الخاصّه ممّن یؤمن ذلک منه.

واللهی بعته بالحق واصطفاه علی الخلق، ما أنطق إلی الصادقاً، وقد عهد إلیّ بذلک کلّه، وبمهلك من یهلك، ومنجی من ینجو، ومآل هذا الأمر، وما أبقى شیئاً یمرّ علی رأسی إلاً أفرغه فی أذنیّ وأفضی به إلیّ؛ «۱»

به خداوند سوگند! اگر بخواهم می توانم خبر دهم هر مردی از شما را که از کجا آمده است و به کجا می رود و تمام کارهایش چیست! ولی می ترسم درباره من به باوری برسید که به رسول خدا صلی الله علیه وآله نداشتید.

پس آگاه باشید! من تمام این دانش ها و رازها را به یاران ویژه خود می رسانم و بازگو می نمایم.

سوگند به خداوندی که پیامبر را به راستی به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام آفریدگان برگزید! فقط به راستی سخن می گویم و به

(۱). نهج البلاغه: ۲۵۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۵

راستی که پیامبر به همه آن چه گفتم با من پیمان بسته است و نیز به تباهی و نابودی تباه شدگان و رهایی یافتگان از من تعهد گرفته

است و به سرانجام تمام کارها آگاهی داده است و هر آن چه در سر می گذراندم و به فکر خود مرور می دادم، پاسخش را در گوشم فرو خواند و آن را به طور کامل به من رسانید و فهمانید.  
در روایت دیگری آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود:  
سلونی، واللّه ما تسألونی عن شیء یكون إلى یوم القیامه إلا أخبرتکم؛ «... ۱»  
از من پرسید، به خداوند سوگند! درباره هر آن چه که تا روز قیامت خواهد بود اگر از من پرسیده شود به شما پاسخ خواهم داد.

### اهل بیت علیهم السلام و درهای دانش ... ص: ۵۵

خاندان پیامبر علیهم السلام همان «درها» هستند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:  
نحن الشعار والأصحاب والخزنة والأبواب، ولا تؤتی البیوت إلا من أبوابها، فمن أتاها من غیر أبوابها سُمی سارقاً؛ «۲»  
ما اهل بیت چون لباس نزدیک به او و یاران صمیمی پیامبر

(۱). فتح الباری: ۸ / ۴۵۸، تاریخ الخلفاء: ۱۲۴، جامع بیان العلم: ۱ / ۱۱۴

(۲). نهج البلاغه: ۲۱۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۶

و گنجینه داران نبوت و درهای رسالت و پیامبری هستیم و هیچ خانه ای را جز از در آن وارد نمی شوند، و هر که غیر از در وارد شود دزد نامیده می شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

فقط جانشینان پیامبر، درهای الهی هستند که از آنها باید وارد شد و اگر آنان نبودند، هیچ گاه خداوند شناخته نمی شد و به وسیله آنان خداوند بر تمام آفریدگان دلیل و برهان را کامل می کند.

پیش از این نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود را شهر دانش خواند و علی علیه السلام را دروازه آن شهر قرار داد.

تمام حافظان حدیث اهل سنت از امیر مؤمنان علی علیه السلام این گونه نقل کرده اند که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أنا مدینه العلم وعلی بابها، فمن أراد العلم فلیأت الباب؛

همانا من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در حدیث دیگری جابر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أنا مدینه العلم وعلی بابها؛

من شهر دانش هستم و علی دروازه آن است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۵۷

ابن عباس نیز در این زمینه حدیثی را از پیامبر نقل کرده است. او می گوید: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

أنا مدینه العلم وعلی بابها، فمن أراد العلم فلیأت الباب؛ «۱»

من شهر علم هستم و علی دروازه آن، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در این زمینه حضرت علی علیه السلام از پیامبر این گونه نقل می کند:



پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أنا دار الحكمة وعلی بابها؛ «۲»

من خانه حکمت و دانایی هستم و علی دروازه آن است.

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصه عبات الأنوار: ج ۱۰-۱۲

(۲). تحقیق و پژوهش کامل پیرامون این حدیث در نفحات الأزهار فی خلاصه عبات الأنوار: ج ۱۰، ص ۳۲۱ انجام یافته است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۱

### بخش سوم کمالات و فضایل اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۶۱

#### اهل بیت علیهم السلام ساخته خداوندگار و مردم ساخته آنان ... ص: ۶۱

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه چنین می‌نویسد:

إِنَّ قَوْمًا اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ - وَلِكُلِّ فَضْلٍ - حَتَّى إِذَا اسْتَشْهَدَ شَهِيدَانَا، قِيلَ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ ... وَلَوْلَا مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِنْ تَرْكِيَةِ الْمَرْءِ نَفْسَهُ لَذَكَرَ ذَاكِرَ فَضَائِلِ جَمَّةٍ، تَعْرِفُهَا قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا تَمَجُّهَا آذَانُ السَّامِعِينَ، فِدَعِ عُنْكَ مِنْ مَالْتِ بِهِ الرَّمِيَةِ؛ فَإِنَّا صَنَاعِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدَ صَنَاعِعِ لَنَا؛ «... ۱»

گروهی از مهاجران و انصار در راه خداوند شهید شدند- و هر کدام فضیلتی داشتند- تا آن که شهید ما (حضرت حمزه علیه السلام) شربت شهادت نوشید. پس به سرور و سالار شهیدان معروف شد و پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هنگام نماز بر او شیوه خاصی را به کار برد

(۱). نهج البلاغه: ۳۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۲

و هفتاد تکبیر را خواند.

مگر نمی‌بینی دست مردمان بسیاری در راه خداوند بریده شد و هر کدام فضیلت و مرتبتی داشتند؛ ولی هنگامی که یکی از ما (حضرت جعفر بن ابی طالب علیه السلام) همانند آنان شد طیار (پرواز کننده) در بهشت و صاحب دو بال نامیده شد.

اگر خداوند از خودستایی باز نداشته بود، فضیلت‌ها و خوبی‌های فراوانی را برمی‌شمردم که دل‌های مؤمنان با آنها، آشناست و در گوش شنوندگان خوش آوا. پس آن چه را که در آن سودی نیست رها کن (و آب در غربال میماید)؛ چرا که ما ساخته و پرداخته پروردگاران هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرورده‌های ما هستند.

و این که ما و شما در آمیختیم و طرح خویشاوندی ریختیم، از شما دختر گرفتیم و به شما دختر دادیم و مانند هم‌تا و برابر با شما رفتار کردیم، عزت و سربلندی دیرین و فضیلت‌ها و سرافرازی‌های پیشین را از ما باز نمی‌دارد، در حالی که شما چنین شأن و مقامی را ندارید...

پس ما یک بار برای خویشاوندی با پیامبر، به خلافت سزاوارتریم و دیگر بار برای طاعت و فرمانبرداری (دستور پیامبر در پیروی از ما) برتریم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۳

و آن گاه که مهاجران در سقیفه بر انصار به نزدیکی با پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دلیل آورده و پیروز شدند پس اگر موجب برتری همان است حق با ماست، نه با شما و اگر به دلیل دیگری است، پس هم چنان انصار برترند و ادعایشان پابرجاست. این نامه، برتری‌هایی از اهل بیت علیهم السلام را در بر گرفته است؛ برتری‌هایی با معانی ارزشمند که دارای راز بزرگی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّا صَنَّا عِ رَبَّنَا وَالنَّاسَ بَعْدَ صَنَائِعِ لَنَا؛

ما ساخته و پرداخته پروردگاران هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرداخته ما هستند.

این جمله در نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان نیز آمده است، آن جا که می‌نگارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ ... وَنَحْنُ صَنَائِعُ رَبَّنَا وَالْخَلْقَ بَعْدَ صَنَائِعِنَا؛ «... ۱»

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند ما و شما را از شر بلاها و فتنه‌ها ایمن و عافیت بخشد، و روح

(۱). الاحتجاج: ۲/ ۲۷۷، بحار الأنوار: ۵۳/ ۱۷۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۴

و حقیقت یقین را به ما و شما ببخشاید و ما و شما را از بدی عاقبت باز بخرد.

تردید بعضی از شما در دین به من رسیده است و از آن خبردار شده‌ام و هر دودلی و سرگردانی که درباره ولی امر و امامان به شما روی کند به خاطر شما، غمگین می‌شویم- نه برای خودمان- و موجب ناراحتی ما درباره شما می‌شود، نه درباره خودمان؛ زیرا خداوند همواره همراه ماست و با وجود او به غیر او نیازی نداریم و همواره حق و درستی همراه ماست. پس اگر کسی از ما عقب بماند ما را وحشت فرا نمی‌گیرد و همانا ما ساخته و پرداخته پروردگار خویشیم و تمامی مخلوقات پرورده ما هستند.

ای شیعیان دودل! شما را چه می‌شود که در شک و دودلی هستید و در سرگردانی به سر می‌برید، آیا نشنیده‌اید خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۵

آیا شما آثاری را که درباره امامانتان- درود و سلام بر گذشتگان و باقی ماندگان آنان باد- هست و ایجاد می‌شود به شما رسیده است، نمی‌دانید؟

آیا شما نمی‌بینید چگونه خداوند پناه‌گاه‌هایی برای شما قرار داد تا به آن‌ها پناه ببرید و علامت‌هایی که به وسیله آن‌ها هدایت شوید؛ از زمان حضرت آدم تا این که آخرین آن‌ها علیهم السلام پدیدار گشت؟! هر گاه پرچم و علامتی ناپدید گشت پرچم دیگری پدیدار شد و هر گاه ستاره‌ای خاموش شد، ستاره فروزان دیگری پدیدار شد.

در توضیح این سخن گهربار باید بگوییم که در واقع می‌فرمایند:

هیچ شخصی نعمتی بر ما ندارد، بلکه فقط خداوند بزرگ و با عظمت به ما نعمت داده است. پس بین ما و خداوند در نعمتی الاهی

هیچ واسطه‌ای نیست و مردم از همه طبقات ساخته و پرداخته ما هستند. ما، بین مردم و خداوند واسطه هستیم، و ما هستیم که تمام

نعمت‌ها را به مردم فرو می‌ریزیم، و ما بندگان خدا هستیم و مردم بندگان ما هستند.

آن حضرت با این گفتار به این معنا اشاره کرده است که «و هیچ گاه کسی که نعمت از او بر مردم جاری شده است با مردم مساوی و برابر نیست».

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۶

شیخ کلینی رحمه الله در این زمینه روایتی را نقل کرده است که امام علیه الصلاة والسلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا، وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صَوْرَنَا، وَجَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَلِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ ... وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَلَوْلَانَا لَحَنَ مَا عُبِدَ اللَّهُ؛ (۱)

همانا خداوند ما را آفرید پس به بهترین شکل آفرید و ما را به بهترین صورت پرداخت. ما را بین بندگان چشم، و زبان گویای خود بین مردمان، و دست گشاده به رحمت و مهربانی بر بندگان خود، قرار داد، ما روی خداوند هستیم که به سویش رو کنند و بابتی که به او دلالت می‌کند، از جانب او همه چیز بخشیده و خزانه داران او در آسمان و زمین هستیم. به وسیله ما تمام درختان میوه دار می‌شود، و میوه‌ها رسیده می‌شود، و رودها روان می‌گردد و به وسیله ما خداوند باران آسمان را فرو می‌بارد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و به عبادت ماست که خداوند پرستیده می‌شود و اگر ما نبودیم هیچ گاه خداوند پرستش نمی‌شد.

کوتاه سخن این که امامان از اهل بیت علیهم السلام نعمت الاهی بر

(۱). الکافی: ۱/ ۱۴۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۷

تمام مخلوقات هستند و نعمت در این آیه به آنان تفسیر شده است:

«يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»؛ (۱)

نعمت الاهی را می‌شناسند سپس آن را انکار می‌کنند. «۲» در آیه دیگر «نعیم» به آن بزرگواران تفسیر شده است:

«ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ (۳)

سپس در آن روز از نعمت پرسیده خواهید شد. «۴» آری، آنان واسطه‌های بین خداوند و تمام موجودات در آفرینش، علم، روزی و دیگر الطاف و بخشش‌های الاهی و نعمت‌ها هستند.

پس خداوند کننده‌ای است که تمام هستی از اوست و امام، کننده‌ای است که هستی به سبب اوست و این همان ولایت و سرپرستی کلیه است.

پس آیا می‌توان کسی را از این امت با خاندان حضرت محمد صلی الله علیه وآله مقایسه کرد و سنجید؟ و آیا می‌شود کسی از خلایق با آنان هم‌سطح و مساوی شود؟

(۱). سوره نحل: آیه ۸۵

(۲). ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۳

(۳). سوره تکوین: آیه ۸

(۴). ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۵۷۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۸

نالودگی و مصونیت از گناه از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز در هر امام و پیامبر است که بر این امر دلیل‌های فراوانی از قرآن، سنت پیامبر و عقل بیان شده است. واضح‌ترین آیه قرآن در این باره آیه‌ای است که می‌فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «۱»

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

این آیه به گونه‌ای روشن بیان‌گر عصمت است؛ تا جایی که فخر رازی و دیگر شک پردازان به دلالت آن اعتراف نموده‌اند؛ زیرا فرمانبری از کسی که اشتباه و آلودگی در او راه دارد، به صورت همه جانبه هرگز روا و شایسته نیست.

امیر مؤمنان علی علیه السلام گفتاری در شأن و مقام خاندان پیامبر علیهم السلام دارد که امت اسلامی را به پیروی و فرمانبرداری از آنان در همه حال دستور می‌دهد، آن جا که می‌فرماید:

انظروا أهل بیت نبیکم، فالزموا سمتهم واتبعوا أثرهم، فلن یخرجوکم من هدی ولن یعیدوکم فی ردی، فإن لبدوا فالدوا، وإن نهضوا فانهضوا، ولا تسبقوهم ففضلوا،

(۱). سوره نساء: آیه ۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۶۹

ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛ «۱»

و به اهل بیت پیامبرتان نیک بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند، حرکت نمایید و قدم جای قدمشان بگذارید، آن‌ها هرگز شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. پس هر گاه سکوت کردند و خاموش بودند، خاموش باشید و هر گاه برخاستند برخیزید، از آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که به نابودی و هلاکت دچار می‌شوید. به راستی چگونه اهل بیت علیهم السلام پاک و مصون از اشتباه نیستند در حالی که آن سان که امیر مؤمنان علی علیه السلام خبر داده قلب و جان‌شان در بهشت است. آیا قلبی که در بهشت باشد فکر اشتباه و گناه از آن می‌گذرد تا چه رسد به اراده و انجام آن؟ آیا چنین قلبی دچار غفلت و فراموشی و تردید و دودلی می‌شود؟ آیا این مصونیت از اشتباه، همان سفارشی نیست که درباره لازمه امامت و مهتری است؟

آری، پیامبر صلی الله علیه و آله همانند سفارشی که درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن سابق کرده و بعد از خودش به امت دستور داده است که از او پیروی کنند، درباره عمار نیز سفارش کرده است؛ هنگامی که او را به پیروی از حضرت علی علیه السلام در تمام

(۱). نهج البلاغه: ۱۴۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۰

اتفاقات و وقایع بعد از خودش و در هر حالتی فرا خواند.

گروهی از دانشمندان بزرگ روایتی را از علقمه بن قیس و اسود بن یزید نقل کرده‌اند. آن دو می‌گویند:

ابویوب انصاری از جنگ صفین بازگشت. ما نزد او رفتیم و به او گفتیم: ای ابویوب! خداوند تو را گرامی داشت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به خانه تو نزول اجلال داد و شترش کنار خانه تو خوابید. این لطف و مرحمتی از جانب خداوند و برای بزرگداشت تو بود، تا آن که به در خانه تو ایستاد و تمام مردم را رها نمود، حال تو با شمشیر آمده‌ای و مسلمانان توحیدگویی را

می کشی؟

ابویوب گفت: فلانی! هیچ گاه راهبر به مردمش دروغ نمی گوید، مسلم است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد همراه علی علیه السلام با سه گروه بجنگیم: ناکثین، قاسطین و مارقین.

ما با ناکثین که همان یاران جمل و طلحه و زبیر بودند جنگ نمودیم و آنان را کشتیم، و اینک از جنگ با قاسطین، معاویه و عمروعاص می آیم؛ مارقین که همان صاحبان درختان گز و تنه‌های درخت خرما و درختان سبز خرما و یاران نهروان هستند، به خداوند سوگند! نمی دانم کجا هستند؟ ولی به یقین اگر خداوند بزرگ بخواهد به جنگ با آنها خواهیم رفت.

آن گاه گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به عمار

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۱

می فرمود:

یا عمار! تقتلك الفئة الباغية، وأنت إذ ذاك مع الحق والحق معك.

یا عمار بن یاسر! إن رأيت علياً قد سلك وادياً وسلك الناس كلهم وادياً غيره، فاسلك مع علي، فإنه لن يدليكَ في ردي، ولن يخرجك من هدى.

یا عمار! من تقلد سيفاً وأعان به علياً - رضی الله عنه - علی عدوه قلده الله يوم القيامة وشاحين من در، ومن تقلد سيفاً أعان به عدو علی - رضی الله عنه - قلده الله يوم القيامة وشاحين من نار؛

ای عمار! گروه ستمگر تو را خواهند کشت و تو در آن زمان همراه حق هستی و حق نیز همراه توست.

ای عمار پسر یاسر! هر گاه دیدی که علی در مسیری می رود و تمامی مردمان در مسیر دیگری غیر از راه علی در حرکتند پس فقط با علی همراه شو. زیرا او هیچ گاه تو را به هلاکت نمی اندازد و از راه درست و هدایت خارج نمی سازد.

ای عمار! هر که شمشیری به گردن آویزد و علی را با آن بر دشمن او یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبد زیبا از در بر گردن او می آویزد و هر که شمشیری بر گردن بگیرد و به دشمن علی یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبد آتشین بر گردن او می نهد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۲

ما گفتیم: ای ابایوب! بس است خداوند به تو رحمت کند، کافی است، خداوند به تو رحمت کند. (۱)

## پایه های دین و هدایت گران مردمان ... ص: ۷۲

امیر مؤمنان علی علیه السلام خاندان محمد علیهم السلام را این گونه توصیف فرموده است:

هم أساس الدين وعماد اليقين؛

آنان پایه استوار دین و ستون محکم یقین هستند.

این عبارت بعد از این گفتار آمده است که فرمود:

هم موضع سزه، إليهم يفيء الغالي وبهم يلحق التالی لا يقاس بآل محمد عليهم السلام من هذه الامة أحد؛ (۲)

آنان جایگاه اسرار خداوندی هستند، افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند، کسی از این امت با خاندان محمد علیهم السلام مقایسه نمی شود.

گویی منظور حضرت این است که به راستی کسانی که دارای این ویژگی ها هستند و به این فضایل و برتری ها رسیده اند همان ها

اساس

(۱). تاریخ بغداد: ۱۳/۱۸۶-۱۸۷، فرائد السمطين: ۱/۱۷۸، کنز العمال: ۱۲/۲۱۲، مناقب خوارزمی: ۷۵/۱۲۴، و آن چه نقل شد، طبق نقل تاریخ بغداد بود

(۲). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۳

دین و ستون یقین هستند. افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند. امیر سخن در جای دیگری می‌فرماید:

هم دعائم الإسلام وولائج الاعتصام، بهم عاد الحقّ إلى نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته؛ «۱»

آنان ستون‌های محکم اسلام و پناه‌گاه‌های امید به لطف خدا هستند و به وسیله آنان حق و درستی به جایگاه خود باز می‌گردد و باطل از مقام خود به پایین کشیده می‌شود و زبانش از ریشه قطع می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر خاندان پیامبر را این گونه توصیف می‌نماید:

هم أزمّة الحقّ وأعلام الدين وألسنة الصدق، فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن، وردوهم ورود الهيم العطاش؛ «۲»

آنان زمامداران حق و درستی، پیشوایان دین و زبان‌های راست گو و حقیقت هستند، پس همانند قرآن، آنان را به بهترین احترام و منزلگاه فرود آورید و به سان تشنگان سرگردان با اشتیاق چشم حیات به آنان رو کنید.

(۱). همان: ۳۵۷

(۲). همان: ۱۱۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۴

در این فراز والا چند عبارت قابل توضیح است:

۱. «افراط کاران و غالبان به آنان باز می‌گردند و عقب ماندگان به آنها باید برسند».

منظور از این عبارت، یعنی که اهل بیت علیهم السلام میزان سنجش بین تندروی و کندروی در دین هستند و شاید این معنا همان معنای توصیف اهل بیت علیهم السلام باشد که در روایت آمده است که فرمودند:

ما جایگاه معتدلی هستیم که هیچ گاه افراط گران با ما نیستند و هیچ رونده‌ای از ما پیشی نمی‌گیرد. «۱» ۲. «آنان زمامداران حق هستند».

منظور این است همواره و در هر حال حق با آنهاست، هر جای که بگردند حق با آنان به چرخش درمی‌آید و همواره پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمودند:

علی مع الحقّ والحقّ مع علی، يدور معه حيث دار، ولن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض؛ «۲»

(۱). الکافی: ۱/۱۰۱۰

(۲). از جمله راویان این حدیث خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۱۴/۳۲۱، و هیشمی در مجمع الزوائد: ۷/۲۳۶ است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۵

علی با حق و درستی است و درستی و حق همواره با علی است؛ هر جای که برود او همراهش هست و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در کنار حوض به نزد من خواهند رسید.

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام آن بزرگواران را به زبان گویای راستی وصف می کند و در واقع که آیه شریفه ذیل را به آن بزرگواران تفسیر می نماید، آن جا که می فرماید:

«وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ «۱»

و برای من در مردمان آینده زبان راستی قرار بده.

### جایگاه و مقام اهل بیت ... ص: ۷۵

علیهم السلام

### همانند منزلت قرآن ... ص: ۷۵

۳. «آنان را به بهترین منزلت ها و مقام های قرآنی فرود آورید».

از این عبارت دو معنا می توان اراده کرد:

معنای یکم: آنان را به همان جایگاه های نیکویی که قرآن را قرار می دهید- مثل اطاعت و احترام قرآن- قرار دهید.

معنای دوم: برای آنان بهترین جایگاهی را که قرآن برایشان در نظر گرفته است، قرار دهید؛ جایگاه هایی که شامل موارد ذیل است:

۱. ولایت. آن سان که می فرماید:

(۱). سوره شعراء: آیه ۸۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۶

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ «۱»

سرور و مهتر شما تنها خداوند و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.

۲. پاکی و نالودگی، آن جا که می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ «۲»

خداوند می خواهد آلودگی را فقط از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۳. فرمانبرداری و پیروی همه جانبه، آن جا که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «۳»

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

۴. دوستی و مهرورزی، آن جا که می فرماید:

(۱). سوره مائده: آیه ۶۰

(۲). سوره احزاب: آیه ۳۳

(۳). سوره نساء: آیه ۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۷

«قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «۱»

بگو: از شما هیچ اجر و مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی و مهرورزی به نزدیکانم. و مقامات و مراتب دیگری که قرآن برای خاندان پیامبر علیهم السلام برمی‌شمارد.

### نکاتی مهم ... ص: ۷۷

در این گفتار چند نکته مهم را باید یادآور شویم:

۱. ماندگاری اسلام به ماندگاری اهل بیت علیهم السلام است.

دین، تا زمانی برقرار است که اهل بیت علیهم السلام باشند. پس آنان ضامن ماندگاری دین و یقین هستند و هستی این دو به آنان نیازمند است، همان گونه که ماندگاری ساختمان به ستون و پایه نیازمند است. شاید همین معنای عبارتی باشد که فرمود: «آنان، پایه‌ها و کوه‌های دین هستند».

۲. زمین هیچ گاه از آنان خالی نخواهد بود

زیرا خداوند متعال، جاودانگی را بر دین و آیین خود نوشته است و آنان، نشان گران و پرچم‌های هدایت به سوی آن هستند.

(۱). سوره شوری: آیه ۲۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۸

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ مِثْلَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَمِثْلِ نَجُومِ السَّمَاءِ، إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛ «۱»

بدانید و آگاه باشید! خاندان محمد علیهم السلام مانند ستارگان آسمان هستند که هر گاه ستاره‌ای افول نماید، ستاره دیگری طلوع می‌کند.

امیر سخن در سخن دیگر به روشنی درباره ماندگاری آنان تا زمانی که زمین پابرجاست سخن رانده است:

اللَّهُمَّ بَلِي، لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيْنَاتِهِ، وَكَمْ ذَا، وَأَيْنَ أَوْلَيْكَ؟ أَوْلَيْكَ - وَاللَّهِ - الْأَقْلُونَ عِدَدًا، وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيْنَاتِهِ، حَتَّى يُوَدِّعُوا نِظْرَاءَهُمْ، وَيَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ، أَوْلَيْكَ خَلْفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالِدَعَاءُ إِلَى دِينِهِ، آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛ «۲»

آری، زمین از کسی که حجت برپای خداوند است، تهی نماند که یا پدیدار و شناخته شده است و یا ترسان و پنهان از دیده‌ها، تا هیچ گاه حجت‌های خداوند باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود و اینان

(۱). نهج البلاغه: ۱۴۶

(۲). همان: ۲۹۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۷۹

چند نفرند و کجا جای دارند؟

به خداوند سوگند! آنان در شماره اندکند و در نزد خدا بزرگ مقدار که خداوند حجت‌ها و نشانه‌های خود را به آنان، نگهبانی می‌کند، تا به همانندهای خویش بسپارند و در دل‌های همانندگانشان بکارند (و به آنان تحویل دهند ...). اینان جانشینان خداوند در زمین هستند و مردم را به دین راستین او فرا می‌خوانند، آه! چقدر آرزومند و مشتاق دیدار آنان هستم.

حافظ ابن حجر عسقلانی در این زمینه گوید:



«و این روایت که حضرت عیسی پشت سر یک نفر از این امت در آخر الزمان نماز به جای می آورد، دلالت به نظر درست و اقوال صحیحی دارد که هیچ گاه زمین از حجت پابرجای الاهی خالی نخواهد ماند». (۱) «۳. همواره پرسش ها «۲» و حرکت ها از آن ها و به سوی آن ها باید باشد. «۳»

(۱). فتح الباری: ۶ / ۳۸۵

(۲). اشاره ای است به آیه شریفه ای که می فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

(۳). اشاره ای است به آیه شریفه ای که می فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ»

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۰

از این رو حضرت می فرماید:

مانند شتران تشنه و سرگردان که روی به آبشخور می نهند به آنان روی کنید.

تمامی این نکات از معانی «حدیث الثقلین» - که هر دو گروه مسلمانان به صورت همه گیر و متواتر نقل کرده اند - می تواند باشد، همان گونه به آن اشاره خواهیم کرد.

### ستارگان هدایت ... ص: ۸۰

حضرت علی علیه السلام در این گفتار اهل بیت علیهم السلام را به ستارگان آسمان تشبیه کرده است. این تشبیه به حدیثی صحیح از پیامبر اشاره دارد که احمد بن حنبل و دیگر عالمان اهل سنت روایت کرده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهب النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بيتي أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض؛ «۱»

ستارگان امان و مصونیت اهل آسمان هستند، پس هر گاه ستارگان از بین بروند، آسمانی ها نیز از بین می روند و خاندان من مصونیت

(۱). الصواعق المحرقة: ۱۴۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۱

و امان زمینی ها هستند. پس هر گاه از بین بروند تمام زمینی ها نیز از بین می روند.

جلال الدین سیوطی گوید: حاکم نیشابوری از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق، وأهل بيتي أمان لأمتي من الإختلاف، فإذا خالفتها قبيلة اختلفوا، فصاروا حزب إبليس؛ «۱»

ستارگان مصونیت زمینیان از غرق شدن هستند و اهل بیت من مصونیت امت اسلامی از اختلاف و دو دستگی هستند، پس هر گاه گروهی با آنان مخالفت نماید دچار ناسازگاری و اختلاف می شوند و به حزب شیطان می پیوندند.

گواه این تشبیه آیه ای است که می فرماید:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»؛ «۲»

او همان است که ستارگان را برای شما آفرید تا به وسیله آن در تاریکی های خشکی و دریا راه بیمایید و به درستی هدایت شوید.

(۱). احیاء المیت: حدیث ۲۹

(۲). سوره انعام: آیه ۹۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۲  
در روایتی در تفسیر آیه آمده است که امام علیه السلام فرمود:

النجوم آل محمد علیهم السلام؛ «۱»

منظور از ستارگان، خاندان محمد علیهم السلام هستند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا ترسان دور از نظرهاست».

این سخن به حضرت مهدی از خاندان محمد علیهم السلام اشاره دارد، همو که «خداوند زمین را به وسیله او از دادگستری و عدل پر می نماید، بعد از این که از جور و بیداد پر شده است».

این موضوع از مطالب روشن و ضروری است و دلیل های فراوان و کتاب های بی شماری درباره ایشان نگاشته شده است. «۲»

### اهل بیت علیهم السلام و اقامه لوازم امامت و مهتری ... ص: ۸۲

امامان از اهل بیت علیهم السلام لوازم امامت را به خوبی برپا نمودند که همان نگهداری دین و پاسداشت و آموزش آن و نیز دعوت به سوی آن بود. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:  
بنا اهتدیتم فی الظلماء، وتسنتم ذروة العلیاء، و بنا أفجرتم عن السرار؛ «۳»

(۱). الصافی فی تفسیر القرآن: ۱۷۹

(۲). ر. ک: منتخب الأثر، کشف الاستار، المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة

(۳). نهج البلاغه: ۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۳

فقط به وسیله ما در تاریکی ها راهنمایی و هدایت شدید و به قله های خوبی و صفات نیکو راه بردید و به کمک ما از تاریکی ها به روشنایی راه پیمودید.

یعنی به وسیله ما از تاریکی های نادانی و گمراهی به روشنایی دانش و هدایت راه پیمودید و به همین معنا در جای دیگر فرموده اند:

بنا یستعطی الهدی ویستجلی العمی؛ «۱»

هدایت تنها به وسیله ما بخشیده می شود و تاریکی ها و کوری ها از بین می رود و روشن می گردد.

کلینی رحمه الله روایتی را در تفسیر آیه شریفه ذیل نقل می کند، آن جا که می فرماید:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ «۲»

و از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق و راستی هدایت می نمایند و فقط به حقیقت راه می پیمایند.

حضرت فرمودند:

هم الأنمة صلوات الله عليهم؛ «۳»

منظور از امت (در این آیه) همان امامان علیهم السلام هستند.

(۱). همان: ۲۰۱

(۲). سوره اعراف: آیه ۱۸۱

(۳). الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۴

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

إِنَّ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ تَكُونُ مِنْ بَعْدِي يُكَادُ بِهَا الْإِيْمَانُ وَلِيًّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مُوَكَّلًا بِهِ، يَذَبُّ عَنْهُ، وَيَنْطِقُ بِأَلْهَامٍ مِنَ اللَّهِ، وَيَعْلَنُ الْحَقَّ وَيُنُورُهُ، وَيُرَدُّ كَيْدَ الْكَائِنِينَ؛ «... ۱»

همانا نزد هر بدعت و فتنه‌ای که ایمان و اعتقاد انسان‌ها را نزدیک است از بین ببرد، امامی از خاندانم قرار دارد؛ در حالی که وکیل بر آن است و از حق دفاع می نماید و به مدد الهام الاهی به زبان می آید و مسیر حق را روشن و نورانی می نماید و مکر تمام مکاران را باز می گردانند.

و چقدر مصادیق این معنا بسیار است!؟

آری، کسانی که لباس خلافت و ریاست را به زور به تن کردند و بر تمام کارها و برنامه‌های مسلمانان چیره شدند، همواره در مشکلات و سؤالات سخت به امامان از خاندان پیامبر مراجعه می کردند. حافظ نووی در زندگی نامه امیر مؤمنان علی علیه السلام می نویسد:

بزرگان صحابه و یاوران پیامبر از او مسائل را می پرسیدند و در موقعیت‌های بسیاری و سؤالات مشکل به فتاوی او

(۱). الکافی: ۵۴/۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۵

و گفتارش رجوع می کردند و از او جواب می خواستند و این موضوع مشهوری است. «۱»

### اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حریم دین الاهی ... ص: ۸۵

هم چنین بزرگان اهل سنت در زندگی نامه دیگر امامان از اهل بیت علیهم السلام گفته‌اند:

آنان همواره گمراهی و تزویر افراط گران، افکار ابطال گران، تفسیر و معنای بی دلیل نادانان و شبهات کفرورزان و ملحدان را به صورت کامل از چهره دین الاهی می زدودند.

احتجاج و مناظرات اهل بیت علیهم السلام، با مخالفان و دیدگاه‌ها و موضع گیری‌ها روشن آنان در نگهداری و پاسداشت دین، در کتاب‌های حدیث شناسان و تاریخ نویسان نگارش یافته است و کاملاً پیداست.

گروهی از دانشمندان اهل سنت از جمله ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة در زندگی نامه امام حسن عسکری علیه السلام چنین می نویسد:

هنگامی که معتمد پسر متوکل آن حضرت را در زندان انداخت خشک سالی سختی پیش آمد. پس همه مسلمانان سه روز برای طلب باران به بیابان رفتند، ولی باران نیامد.

(۱). تهذیب الأسماء: ۳۴۶/۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۶

در این هنگام مسیحیان به همراه راهب بزرگشان به بیابان رفتند.

همین که راهب دست خود را به سوی آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد و در همان روز اول، باران بارید روز دوم نیز چنین شد. از این رو برخی از مسلمانان نادان در دین خود به شک افتاده و برخی دیگر مرتد شدند.

این وضعیت بر معتمد خلیفه وقت گران آمد. از این رو دستور داد تا امام حسن عسکری علیه السلام را حاضر کردند و گفت: اَمّت جدّت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دریاب پیش از آن که به هلاکت درافتند.

آن حضرت فرمودند: تمام یاران و شیعیان مرا از زندان آزاد کن!

معتمد همه یاران آن حضرت را آزاد کرد. هنگامی که راهب با همراهان خود به طلب باران دست به آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد.

امام به شخصی دستور داد که آن چه در دست اوست بگیرد و بیاورد.

ناگاه دیدند استخوان انسانی در دست او بود. پس از دست او آن را گرفت و به او فرمود:

حال برو و طلب باران کن!

او دستانش را به سوی آسمان بلند کرد. پس هر چه ابر در آسمان بود از بین رفت و آفتاب نمایان شد. مردم از این امر در شگفت شدند.

معتمد گفت: ای ابامحمد! این چیست؟

حضرت فرمود: این استخوان پیامبری است که این راهب مسیحی به دست آورده است و هر گاه استخوان پیامبر زیر آسمان هویدا

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۷

شود، آسمان ابری و بارانی می شود.

بدین وسیله شبهه و سؤال از مردم دور شد و امام حسن عسکری علیه السلام به خانه خودشان باز گشتند. «۱» آری، این مقام و جایگاه خاندان پیامبر و این منزلت آن بزرگواران است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: - و ما نیز هم صدا با آن به تمام مسلمانان می گوئیم:-

فأین تذهبون وأنی تؤفکون والأعلام قائمه والآیات واضحه والمنار منصوبه...؟ ألم عمل فیکم بالثقل الأكبر وأترک فیکم الثقل الأصغر؟ «۲»

پس به کدام سوی می روید! و به کدام سوی می شتابید! در حالی که تمام نشانه‌ها و علامت‌های هدایت برپاست و تمام آیات و جلوه‌های آن روشن است و مناره آن مشخص و پابرجاست؟

پس به کجای گمراه می شوید و چگونه هیچ نمی بینید در حالی که خاندان پیامبر بین شما هستند و آنان پیشوایان حق هستند و بزرگان دین و زبان گویای راستی و درستی هستند. پس آنان را به بهترین جایگاه‌ها و مقام‌های قرآنی فرود آورید و مانند شتران تشنه و

(۱). الصواعق المحرقة: ۲/ ۶۰۰

(۲). مسند احمد: ۳/ ۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۸

جگرتافته به محضر زلال آنان بشتابید... آیا من همواره در بین شما به ثقل اکبر عمل نمودم و ثقل اصغر را میان شما بر جای نگذاشتم؟

## اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گران بها ... ص: ۸۸

حضرت علی علیه السلام در پایان این گفتار به «حدیث ثقلین» که به صورت متواتر از سوی شیعه و سنی نقل شده است «۱» اشاره می‌فرماید.

احمد بن حنبل از ابی سعید خدری این گونه روایت می‌کند:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، حَبْلُ مَمْدُودٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ «۲»

من در میان شما دو بار گران بها به جای گذاشتم، یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است: قرآن کتاب خداوند عز و جل که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین و دیگری خاندان و اهل بیتم. پس آگاه باشید! این دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا آن که کنار حوض نزد من می‌آیند.

(۱). درباره این حدیث از جهت سند و دلالت طی سه جلد از کتاب بزرگ نفعات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار تحقیق و پژوهش گسترده‌ای شده است

(۲). مسند احمد: ۱۴ / ۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۸۹

در حدیث دیگری که ترمذی از جابر روایت کرده است، جابر گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله را در روز عرفه در حال حج دیدم که بر شتر قصوای خود سوار بود و سخنرانی می‌کرد، شنیدم که می‌فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا:

کتاب الله و عترتی اهل بیتی؛ «۱»

ای مردم! من دو چیز میان شما باقی گذاشتم، هر گاه به آنان چنگ بزنید هیچ گاه گمراه نخواهید شد: قرآن و خاندان و اهل بیتم.

و نیز زید بن ارقم نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّيْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلُ مَمْدُودٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا؛ «۲»

همانا من در میان شما چیزی به جای گذاشته‌ام که اگر به آن متمسک شوید هیچ گاه بعد از من گمراه نخواهید شد، یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است: کتاب خداوند که ریسمان کشیده شده بین آسمان تا زمین است و خاندان و اهل بیتم که هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا

(۱). صحیح ترمذی: ۲ / ۲۱۹

(۲). همان: ۲ / ۲۲۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۰

آن که در کنار حوض بر من وارد می‌شوند. پس نیک بنگرید و دقت نمایید چگونه بعد از من آنان را پاسداری و نگهداری می‌نماید.

حدیث دیگری را حاکم نیشابوری از زید بن ارقم روایت کرده است. زید گوید: هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آخرین حج خود را انجام دادند و به مدینه باز می‌گشتند در غدیر خم فرود آمدند و امر فرمودند که زیر درختان آن جا را جاروب کردند. آن گاه فرمودند:

كأنتي قد دعيت فأجبت، إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله تعالى وعترتي، فانظروا كيف تخلفوني فيهما، فإنهما لن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض؛

گویا به سوی خدا فرا خوانده شده‌ام و من نیز دعوت او را پذیرفتم.

پس من در میان شما دو چیز گران بها به جای گذاشتم، یکی از آن‌ها از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خدا قرآن و خاندانم اهل بیتم، پس نیک بنگرید چگونه بعد از من از آن‌ها پاسداری می‌نمایید، پس آن دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا آن که نزد حوض بر من حاضر شوند.

آن گاه فرمودند:

الله عزوجل مولای، وأنا مولی کل مؤمن؛

خداوند عزوجل سرور و مولای من است و من سرور و مولای تمام مؤمنان هستم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۱

سپس دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند:

هر که من سرور و مولای او هستم، پس این (علی) مولا و سرور اوست. خداوندا! هر آن که او را سرور و مولا قرار دهد، سرپرستی کن و هر که با او دشمنی ورزد، با او دشمن باش!

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث بنابر مبنای بخاری و مسلم صحیح است. «۱»

### اهل بیت علیهم السلام و پرچم‌های برافراشته حق ... ص: ۹۱

«اهل بیت علیهم السلام پرچم حق هستند هر کس از آنان پیش بیافتد از دین خارج شده است و هر کس از آنان سرپیچی کند گمراه گشته است.»

منظور از چنگ انداختن به خاندان پیامبر، همان پیروی و سرسپردگی به دستورات آن‌ها و راه یابی به هدایت آنان و آموختن از آن بزرگواران است و از این رو هر که از آنان پیشی گیرد، گمراه می‌شود و هر که عقب بماند به هلاکت می‌افتد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

لا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛ «۲»

هیچ گاه از آنان پیشی نگیرید؛ زیرا گمراه می‌شوید و هیچ گاه از آنان عقب نیفتید، پس نگون بخت و هلاک می‌شوید.

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۹

(۲). نهج البلاغه: ۱۴۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۲

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگر در توصیف اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

وخلّف فینا رایة الحق، من تقدّمها مرق، ومن تخلف عنها زهق، ومن لزمها لحق؛ «۱»

و در میان ما پرچم برافراشته حق را به ارث گذاشت، که هر کس از آن پیشی بگیرد از دین خارج می‌شود و هر که از آن روی

گردان شود به هلاکت می‌رسد و هر کس ملازم آن باشد، به ما خواهد پیوست.  
 البته پیش از این پیامبر صلی الله علیه و آله امت را در پیشی گرفتن و عقب افتادن از اهل بیت علیهم السلام باز داشته بود. پس در هر دو جهت، گمراهی و هلاکت است که این دو جهت در برخی از جملات و نقل‌های «حدیث ثقلین» آمده است.  
 در سخن دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله خاندانش را به کشتی نوح علیه السلام تشبیه فرموده است. «۲» در این زمینه احمد بن حنبل روایتی را از ابوذر چنین نقل می‌کند:  
 ابوذر در حالی که دست در درگاه کعبه داشت گفت: از

(۱). همان: ۱۴۶

(۲). گفتنی است که درباره حدیث سفینه در کتاب نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار مفصل بحث کرده‌ایم

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

ألا إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح، من ركبها نجا، ومن تخلف عنها هلك؛ «۱»

بدانید و آگاه باشید! خاندان من در میان شما همانند کشتی نوح هستند هر که سوار آن شود، نجات پیدا می‌کند و هر که روی گردان شود به هلاکت و نگون بختی می‌رسد.

ابن حجر مکی درباره «حدیث سفینه» می‌گوید:

این حدیث با سندهای متعددی نقل شده که برخی از اسناد، برخی دیگر را تقویت می‌نماید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إنما مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح، من ركبها نجا؛

همانا خاندان من مانند کشتی نوح هستند، هر که بر آن سوار شود، نجات می‌یابد.

در روایت مسلم آمده است:

...ومن تخلف عنها غرق؛

و هر که از آن روی گردان شود، غرق می‌گردد.

و در روایتی دیگر آمده است: هلاك می‌گردد. «۲»

(۱). المشکات: ۵۲۳

(۲). الصواعق المحرقة: ۲۳۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۴

### اهل بیت علیهم السلام و حق سروری و مهنری ... ص: ۹۴

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

ولهم خصائص حق الولاية وفيهم الوصية والوراثة؛ «۱»

ویژگی‌های خاصی تنها در آنان است: حق سروری و ولایت و وصیت و وراثت پیامبر نیز در میان آنهاست.

یعنی امامت شرایط و ویژگی‌هایی دارد که در غیر آنان وجود ندارد که به سه ویژگی مهم اشاره می‌نمایم:

۱. عصمت

روشن شد که در امت اسلامی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جز اهل بیت علیهم السلام هیچ معصومی وجود ندارد.

۲. علم و دانش

هم چنین روشن شد که آنان جایگاه دانش الهی هستند و تمامی مردم در این موضوع از آنان بهره می گیرند.

۳. وصیت و وراثت

هیچ کس در این مطلب اختلافی ندارد که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۵

در این زمینه روایت های بسیار زیادی نقل شده است.

پیامبر صلی الله علیه وآله از آغاز رسالت آن را اعلام کرده است؛ در حدیث دار و در «یوم الانذار» آمده است که آن حضرت به

علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ؛

همانا این (علی بن ابی طالب) برادرم و وصی من و جانشین من در میان شماست.

البته امامان بعد از او نیز یکی پس از دیگری وصی هستند.

آنان میراث دار پیامبرند؛ در جانشینی و سروری، دانش و دارایی.

در این زمینه درباره امام علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است تا جایی که اقرار برخی از یاران پیامبر را نیز روایت کرده اند.

در روایتی آمده است: از قثم بن عباس پرسیدند: چگونه علی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله ارث می برد، ولی شما ارث نمی برید؟

پاسخ داد: زیرا او نخستین فرد از ماست که به پیامبر پیوست و از همه ما بیشتر همراه او بود. «۱»

(۱). برای آگاهی بیشتر درباره حدیث وصیت و میراث داری، با سندهای اهل سنت ر. ک جلد سوم کتاب تشیید المراجعات و تفنید

المکابرات از همین نگارنده

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۶

### اهل بیت علیهم السلام و شایستگان سروری و امامت ... ص: ۹۶

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ، فَإِنَّ شَغْبَ شَاغِبٍ اسْتَعْتَبَ، فَإِنَّ أَبِي قَوْلٌ؛ «۱»

همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و مهتری کسی است که قوی ترین آنها بر آن و داناترین آنان به دستورات الهی باشد. پس

اگر گمراه کننده ای از نادانی هیاو کند سرزنش می شود و اگر سر باز زند با او به جنگ و کارزار می پردازند.

بنابر آن چه گذشت دانستی که چه کسی قوی ترین فرد بر خلافت و داناترین آنان به دستورات الهی و نیز نزدیک ترین آنان به

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله است؟ امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

فَنَحْنُ مَرَّةً أَوْلَىٰ بِالْقُرَابَةِ وَتَارَةً أَوْلَىٰ بِالطَّاعَةِ؛ «۲»

پس ما از جانبی به جهت خویشاوندی و نزدیکی به پیامبر برتریم و از جانبی به جهت پیروی از آن حضرت والاتریم.

و در جای دیگری می گوید:



أما الإستبداد علينا بهذا المقام - ونحن الأعلون نسباً

(۱). نهج البلاغه: ۲۴۷

(۲). همان: ۳۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۷

والأشدون برسول الله صلى الله عليه وآله نوطاً - فإنها كانت أثرة، سخت عليها نفوس قوم، وسخت عنها نفوس آخرين، والحكم الله والمعود إليه القيامة؛ (۱)

آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت و مهتری، بر ما تحمیل شد؛ در حالی که ما را نسبت برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله استوارتر بود، جز خودخواهی و انحصارطلبی چیز دیگری نبود که گروهی آزمندانه به مسند خلافت و سروری چنگ زده و چسبیدند و گروهی دیگر سخاوتمندانه از آن دست کشیدند، و داور واقعی و تنها دادگر خداوند است و روز واپسین تنها جای بازگشت به اوست.

### خطبه ششقیه ... ص: ۹۷

امیر مؤمنان علی علیه السلام شایستگی خویش را به خلافت به صراحت و آشکارا در خطبه مشهوری به نام خطبه ششقیه بیان فرموده است. آن جا که می فرماید:

آگاه باشید به خدا سوگند! پسر ابوقحافه (ابابکر)، جامه خلافت را به زور بر تن کرد، در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به خلافت و

(۱). همان: ۲۳۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۸

جانشینی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه ها، به بلندای ارزش من نمی توانند پرواز کنند. پس من ردای خلافت را رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقانزا و تاریکی که به وجود آورده اند، صبر پیشه سازم (؛ صبری) که پیران را فرسوده کند و جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا روز قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می دارد.

پس از ارزیابی درست؛ صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم، پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می نگریستم که میراث مرا به غارت می برند تا این که اولی به راه خود رفت و خلافت را بعد از خود به پسر خطاب سپرد.

آن گاه حضرت علی علیه السلام به شعری از اعشی مثل زد و فرمود:

شَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلِي كُورَهَا وَيَوْمِ حَيَّانِ أَخِي جَابِرُ؛

مرا با برادر جابر - حیّان - چه شباهتی است؟ من همه روز را در گرمای سوزان کار کردم و او راحت و آسوده در خانه بود.

سپس حضرتش به رفتار ابوبکر اشاره می کند و با شگفتی می فرماید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۹۹

شگفتا! ابابکر که در دوران حیات خود از مردم می‌خواست عذرش را بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری درآورد؟! هر دو از شتر خلافت سخت دوشیدند و از حاصل آن بهره‌مند گردیدند. سرانجام اولی حکومت را به راهی درآورد و به دست کسی (عمر) سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سخت‌گیری، اشتباه و پوزش‌طلبی بود. زمامدار مانند کسی بود که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه، سقوط می‌کند. سوگند به خدا! مردم در حکومت دومی، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دورویی‌ها و اعتراض‌ها شدند و من در این مدت طولانی محنت‌زا و عذاب‌آور، چاره‌ای جز شکیبایی نداشتم تا آن که روزگار او نیز سپری شد. حضرت علی علیه السلام در فراز دیگر این خطبه به چگونگی شکل‌گیری شورای عمر می‌پردازد و می‌فرماید:

سپس عمر خلافت را در گروهی قرار داد که پنداشت من همسنگ آنان هستم. پناه بر خدا! از این شورا! در کدام زمان درباره صلاحیت من شک و تردید شد و مرا با شخص اولینشان هم‌سنگ انگاشتند؟ تا امروز با اعضای شورا برابر شوم که هم اکنون مرا مانند آنان پندارند و در صف آنها قرارم دهند؟ ناچار باز هم کوتاه آمدم و با آنان

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۰

همهانگ گردیدم.

یکی از آن‌ها به خاطر کینه‌ای که از من داشت از من روی برتافت و دیگری، دامادش را بر حقیقت، برتری داد و آن دو نفر دیگر که زشت است آوردن نامشان. تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلویش از پرخوری باد کرده؛ همیشه بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود و خویشاوندان پدری او از امویان به پا خواستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند؛ چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد.

سپس به چگونگی بیعت مردم با حضرتش اشاره می‌کند و می‌فرماید:

عثمان آن قدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت و شکم باره‌گی او نابودش ساخت. روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پرپشت کفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند تا آن که نزدیک بود حسن و حسین (علیهما السلام) را لگدمال کنند و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله‌های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند، اما آن گاه که به پا خاستم و خلافت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند، گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند و برخی از اطاعات حق سر برتافتند. گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۱

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ «۱»

سرای آخرت را برای کسانی برمی‌گزینیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است. آری، به خدا سوگند! آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند؛ اما دنیا در دیده آن‌ها زیبا نمود، و زیور آن، چشم‌هایشان را خیره کرد.

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید! اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم باره‌گی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آن گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است.

راویان گویند: هنگامی که خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام به این جا رسید، مردی از دهات عراق برخاست و نامه‌ای به دست امام علیه السلام داد، آن حضرت نامه را مطالعه فرمود، ابن عباس گفت: ای امیر مؤمنان! چه خوب بود سخن را از همان جا که قطع شد،

آغاز می‌کردید.

امام علیه السلام فرمود:

(۱). سوره قصص: آیه ۸۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۲

هیئات یابن عباس! تلک شقشقه هدرت ثم قرت؛

هرگز! ای پسر عباس! این شعله‌ای از آتش دل بود، زبانه کشید و فرو نشست.

ابن عباس گوید: به خدا سوگند! بر هیچ گفتاری مانند قطع شدن سخن امام علیه السلام این گونه اندوهناک نشدم که امام نتوانست تا آن جا که دوست دارد به سخن ادامه دهد.

و هنگامی که خلافت به او رسید و حق به او بازگشت فرمود:

الآن إذ رجع إلى أهله ونقل إلى منتقله؛ «۱»

الآن حق به صاحبش داده شد و به جایگاه واقعی خود منتقل گشت.

### مرگ با شناخت آنان شهادت است ... ص: ۱۰۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفه حق ربّه وحقّ رسوله وأهل بینه مات شهیداً، ووقع أجره علی الله، واستوجب ثواب ما نوى من صالح عمله، وقامت التیة مقام إصلاته لسيفه، فإنّ لكل شیء مدّة وأجلًا؛ «۲»

هر کس در حالت عادی و بر رختخواب خویش بمیرد در حالی که

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

(۲). همان: ۲۸۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۳

شناخت کامل شایسته از پروردگار و پیامبر و خاندان او داشته باشد، به یقین شهید از دنیا رفته است و پاداش و مزد او بر خداوند خواهد بود و هر آن چه نیت خوبی نموده است به جای عمل او به حساب می‌آید، و همان نیت و انگیزه او، مانند آخته نمودن شمشیرش به حساب می‌آید. پس برای هر چیزی اندازه و مدتی است.

هر چند این روایت در مورد حضرت مهدی علیه السلام است؛ ولی فقط در خصوص ایشان نیست؛ بلکه این نتیجه و اثر درباره شناخت واقعی اهل بیت و خاندان پیامبر در هر زمان باشد، وجود دارد.

و از این روست که حضرت علیه السلام می‌فرماید:

ناصرنا ومحبتنا ينتظر الرحمة وعدونا ومبغضنا ينتظر السطوة؛ «۱»

یاری گر و دوست دار ما همواره منتظر مهربانی و رحمت الاهی است و دشمن کینه‌توز ما همواره منتظر عقوبت و گرفتاری.

در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إنّ الله عزّوجلّ نصب علیاً علماً بینة و بین خلقه، فمن عرفه کان مؤمناً ومن أنکره کان کافراً ومن جهله کان ضالاً، ومن نصب معه شیئاً کان مشرکاً، ومن جاء بولایته دخل الجنّة؛ «۲»

همانا خداوند متعال علی را به عنوان پرچمی بین خود و بندگانش

(۱). نهج البلاغه: ۱۶۲

(۲). الکافی: ۴۳۷/۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۴

قرار داد، پس هر که او را بشناسد باایمان است، هر که او را انکار نماید کافر است، هر که او را نشناسد گمراه است، هر که همراه او چیز دیگری را قرار دهد، همانا مشرک است و هر که ولایت او را داشته باشد، همانا داخل بهشت می شود.

در این معنا روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وارد شده است که به روایت جابرالله زمخشری بسنده می نماییم؛ همان که رازی آن را در تفسیرش این گونه آورده است:

صاحب کشف از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این گونه نقل کرده است که حضرت فرمود:

من مات علی حب آل محمد مات شهیداً.

ألا ومن مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له.

ألا ومن مات علی حب آل محمد مات تائباً.

ألا ومن مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الإیمان.

ألا ومن مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنه ثم منکر و نکیر.

ألا ومن مات علی حب آل محمد یزف إلى الجنه كما تزف العروس إلى بیت زوجها.

ألا ومن مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان إلى الجنه.

ألا ومن مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکه الرحمه.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۵

ألا ومن مات علی حب آل محمد مات علی السنه والجماعه.

ألا ومن مات علی بغض آل محمد جاء يوم القیامه مكتوباً بین عینیه: آیس من رحمه الله.

ألا ومن مات علی بغض آل محمد مات کافراً.

ألا ومن مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحه الجنه؛ «۱»

هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، بخشیده شده از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، با توبه کامل از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، باایمان کامل و مؤمن از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ او را به بهشت نوید می دهد، سپس دو فرشته سؤال و جواب (منکر و نکیر) سراغ او آیند.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، به سوی بهشت می رود؛ همان گونه که عروس را با احترام و شادمانی به خانه شوهر می برند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۶

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، خداوند در قبر او دو در به سوی بهشت باز می نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه فرشتگان رحمت خود می نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، بر دین واقعی و سنت پیامبر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، روز قیامت او را می آورند؛ در حالی که بین دو چشمش نوشته شده است:

این شخص ناامید از رحمت و عطوفت خداوند.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، هیچ گاه بوی بهشت به مشام او نمی رسد.

ما نیز می گوئیم:

خداوندا! ما را بر پیروی از محمد و خاندان محمد زنده بدار، و بر شناخت و دوستی آنان بمیران، و ما را در گروه آنان محشور بدار،

و شفاعت آنان را روزی ما قرار بده و به هر آن چه که آنان را توفیق داده‌ای، توفیقمان ده، همانا تو شنوا و پندیرا هستی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۷

### کتابنامه ... ص: ۱۰۷

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

الف

۳. الاحتجاج: ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان.

۴. احياء الميت بفضائل أهل البيت: جلال الدین سیوطی، دار الثقلین، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۵. الإستیعاب فی معرفة الأصحاب: ابن عبد البر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ب

۶. بحار الأنوار: محمد باقر مجلسی، دار الإحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳.

ت

۷. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۸. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۸

۹. تذکره الخواص: سبط بن جوزی، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۱.

۱۰. تشييد المراجعات وتفنييد المكابرات: سيد علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۲۷.

۱۱. تفسير فخر رازی (تفسير الكبير): فخر رازی، دار احياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۲. تهذيب الأسماء واللغات: نووی، دار الفكر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ج

۱۳. جامع بيان العلم وفضله: ابن عبد البر، دار ابن الجوزی، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

ح

۱۴. حلیه الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

ذ

۱۵. ذخیره المآل: احمد بن عبدالقادر عجیلی شافعی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۰۹

ر

۱۶. الرياض النضرة: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

ص

۱۷. الصافی فی تفسیر القرآن: مولا محسن فیض کاشانی.

۱۸. صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۱۹. صحیح ترمذی: محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۲۰. الصواعق المخرقة: احمد بن محمد بن محمد بن علی بن حجر هیتمی مکی، تحقیق عبدالرحمان بن عبدالله ترکی و کامل محمد خزاط، مؤسسه رسالت، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

ف

۲۱. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

۲۲. فرائد السمطین: ابراهیم بن محمد حموئی جوینی خراسانی، مؤسسه محمودی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۳۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۱۰

۲۳. فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر: مناوی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۲۴. الکافی: محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله، دار صعب، دار التعارف، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱.

۲۵. کشف الاستار عن زوائد البزار: حافظ هیثمی.

۲۶. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام: محمد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، سال ۱۳۹۰.

۲۷. کنز العمال: متقی هندی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۲۸. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی بکر هیشمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۹. المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة: سید هاشم بحرانی.

۳۰. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۱. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت در نهج البلاغه، ص: ۱۱۱

۳۲. المشکات: ابو عبدالله محمد بن عبدالله خطیب تبریزی.

۳۳. المناقب خوارزمی: خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۳۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر: لطف الله صافی گلپایگانی.

۳۵. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه: سید حبیب الله موسوی خوئی.

ن

۳۶. نفحات الأزهار فی خلاصه عبات الأنوار: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

و

۳۷. وسائل الشیعه: شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۰۳.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه (ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو در پیچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

